

گفتمان اصلاح طلبی اسلامی در ایران پس از انقلاب

علی محمد حاضری^{۱*}، ابراهیم ایران‌نژاد^۲، مصطفی مهرآیین^۳

(تاریخ دریافت ۸۹/۴/۱۲، تاریخ پذیرش ۹۰/۶/۱۵)

چکیده

این پژوهش در پی بازشناسی توصیفی گفتمان اصلاح طلبی اسلامی در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی است. شاخص‌ترین افرادی که در این پژوهش به‌عنوان تولیدکنندگان این گفتمان انتخاب شده‌اند عبارت‌اند از: سیدمحمد خاتمی، سیدمحمد موسوی بجنوردی و سیدمحمد موسوی خوئینی‌ها. در کنار این افراد، به اندیشه‌ها و آثار دیگر متفکران اصلاح طلبی اسلامی نیز پرداخته شده است. سؤالات اصلی تحقیق عبارت‌اند از: ۱. تولیدکنندگان این گفتمان چه کسانی هستند؟ ۲. چرا سخن می‌گویند؟ ۳. درباره چه سخن می‌گویند؟ ۴. چگونه سخن می‌گویند؟ ۵. مخاطبانشان چه کسانی هستند؟ ۶. چه کنشی را پیشنهاد می‌کنند؟ روش پژوهش، تحلیل گفتمان به‌عنوان روشی کیفی است. روش نمونه‌گیری نیز قضاوتی است؛ به‌گونه‌ای که به آثار مکتوب و سخنان تولیدکنندگان اصلی گفتمان‌ها در کنار افراد دیگر توجه می‌شود. ذیل هر یک از سؤالات تحقیق، با مراجعه به آثار متفکران نام‌برده، مباحث مهمی همچون جامعه مدنی، قانون اساسی، حکومت دینی و... آورده شده است.

*majid6688@gmail.com

۱. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد از پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی

۳. استادیار گروه جامعه‌شناسی

بررسی گفتمان اصلاح طلبی اسلامی، به ما چند بصیرت درباره ماهیت «گفتمان دینی» در ایران امروز می بخشد. گفتمان یادشده در شیوه نگاه خود به دین و دنیای مدرن، دل مشغول مسائل و موضوعات امروزی و مسائل مرتبط با آن است. بررسی شیوه استدلال گفتمان اصلاح طلبی اسلامی نشان می دهد با اینکه این گفتمان با گفتمان های دیگر اختلاف هایی دارد، در استناد به متون دینی و کمک گرفتن از «رویکرد نقلی» این گفتمان ها با هم اشتراک نظر دارد.

واژه های کلیدی: گفتمان، تحلیل گفتمان، روش کیفی، گفتمان دینی، اصلاح طلبی اسلامی، تولیدکنندگان گفتمان.

۱. مقدمه

با اندکی جست و جو و مطالعه در آثار و منابع مربوط به تحولات فکر دینی در ایران، درمی یابیم که تا کنون تلاش آن چنانی برای «بازسازی پسینی» گفتمان اصلاح طلبی اسلامی و شناسایی مؤلفه ها و ویژگی های آن انجام نشده است. بیشتر مطالعات مفهوم شناسانه موجود، به شیوه «پیشینی» به بحث درباره امکان پذیری یا امکان ناپذیری اصلاح طلبی اسلامی پرداخته اند. اما قبل از هر چیز باید دو نکته را روشن کرد: نخست آنکه، منظور از «بازسازی پسینی» چیست و چگونه می توان این کار را انجام داد؟ دوم آنکه، معیار پژوهشگر در انتخاب برخی متفکران مسلمان اصلاح طلب اسلامی چه بوده است؟ به عبارت دیگر، چرا پژوهشگر این گروه از متفکران مسلمان را به عنوان اصلاح طلب اسلامی در نظر گرفته و آثار آن ها را نماینده گفتمان اصلاح طلبی اسلامی دانسته است؟

در این پژوهش، گفتمان اصلاح طلبی اسلامی را در قالب سؤالات پژوهشی بررسی می کنیم. برای تشریح چگونگی شکل گیری گفتمان اصلاح طلبی اسلامی، لازم است کمی به عقب برگردیم و خاستگاه های آن را در ابتدای انقلاب و کمی پیشتر از آن جست و جو کنیم. این گفتمان برخاسته از گرایش های تجددطلبانه، و تحت تأثیر مدرنیسم است. گفتمان اصلاح طلبی به نوعی در مقابل سنت گرایی قرار دارد که برخاسته از اندیشه های سنتی و مذهبی در جامعه ایران است. از اوایل دوره قاجاریه تا کنون، سنت گرایی و تجددگرایی در فضای سیاسی -

گفتمان اصلاح‌طلبی اسلامی در ایران پس از ... علی محمد حاضری و همکاران

اجتماعی ایران همواره دو نیروی متعارض بنیادین و پیش‌راننده تحولات اجتماعی بوده‌اند. تحولات اجتماعی ایران از سویی برخاسته از سنت‌های تاریخی و فرهنگی این مرز و بوم، به‌ویژه سنت‌های اسلامی است و از سویی دیگر از تجدّدطلبی روشنفکران متأثر از غرب سرچشمه گرفته است. مفهوم سنت‌گرایی در اینجا با مفهوم آن در ادبیات غرب یکسان نیست؛ بلکه تلاش برای بازگشت به اصول و سنت‌های اسلامی است که همراه با نوعی اقتدارگرایی است. تجدّدگرایی نیز در اینجا به دیدگاه‌هایی اشاره دارد که بر انسان‌گرایی، فردگرایی، آزادی، قانون‌گرایی و دموکراسی مبتنی‌اند. در این پژوهش منظور از «اصلاح‌طلبی اسلامی» و تولیدکنندگان این گفتمان، کسانی هستند که در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در نسبت با نظام جمهوری اسلامی قائل به اصلاح‌طلبی‌اند و به‌کارگیری اصلاحات مورد نظرشان مستلزم ساختارشکنی نیست. به‌عبارت دیگر، این‌ها معتقدند داخل همین نظام و در چارچوب آن می‌توان اصلاحات مورد نظر را انجام داد. اصلاحات مورد نظر ایشان، بیشتر محقق کردن بخش‌های معطل‌مانده قانون اساسی است.

اصلاح‌طلبی اسلامی از فعالیت‌ها و اندیشه‌های سید جمال‌الدین اسدآبادی آغاز می‌شود و به اندیشه‌های آیت‌الله طالقانی، مهندس بازرگان و دکتر علی شریعتی و برخی از افراد نهضت آزادی و ملی - مذهبی‌ها مانند حبیب‌الله پیمان، یدالله و عزت‌الله سبحانی، مصطفی چمران، عبدالکریم سروش، محسن کدیور، حسن یوسفی اشکوری، محمد مجتهد شبستری، مصطفی ملکیان، سیدمحمد موسوی خوئینی‌ها، سیدمحمد خاتمی، سیدمحمد موسوی بجنوردی و بسیاری دیگر از شخصیت‌های مطرح در سال‌های اخیر می‌رسد. تولیدکنندگان این گفتمان در تحولاتی که در حوزه گفتمان‌های دینی از سال ۱۳۵۷ تا کنون، به‌ویژه در حوزه فرهنگی، رخ داده است بسیار تأثیرگذار بوده‌اند. در این پژوهش چند تن از مهم‌ترین تولیدکنندگان این گفتمان یعنی سیدمحمد خاتمی، سیدمحمد موسوی بجنوردی و سیدمحمد موسوی خوئینی‌ها را انتخاب کرده و ذیل سؤالات تحقیق به اندیشه‌های هر یک از آن‌ها، در کنار دیگر اندیشمندان این گفتمان پرداخته‌ایم. در اینجا متفکرانی را اصلاح‌طلب اسلامی معرفی کرده‌ایم که در میان پژوهشگران تحولات فکری در ایران پس از انقلاب، در مورد اصلاح‌طلب بودن آن‌ها اتفاق نظر وجود داشته است.

این تحقیق در پی آن است تا به این پدیده فرهنگی - اجتماعی از زاویه ای متفاوت بنگرد و تحولاتی را بررسی کند که از سال ۱۳۵۷ تا کنون در حوزه این گفتمان رخ داده است. سازوکار انتخاب این افراد ذیل گفتمان های یادشده، بر اساس منابع موجود و اتفاق نظر پژوهشگران در این زمینه بوده است. هدف این پژوهش، شناخت مؤلفه ها و ابعاد و ویژگی های متفاوت گفتمان اصلاح طلبی اسلامی است. سؤال اصلی پژوهش نیز این است:

- گفتمان اصلاح طلبی اسلامی دارای چه مؤلفه ها و ویژگی هایی است؟

۲. روش شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع پژوهش های «تفسیری» است که در مقام آزمون مدعا یا مقابله فرضیه های نظری با واقعیت هایی که این فرضیه ها بر آن ها دلالت دارند، از روش «تحلیل گفتمان» استفاده می کند. از روش تحلیل گفتمان می توان برای آزمون ادعاهایی استفاده کرد که درباره متون (اعم از کتاب، فیلم، تئاتر و یا هر گونه پدیده نمادین معنادار دیگر)، گفتارها و گفتمان های ایدئولوژیک یا نظام های اندیشه مطرح شده اند. به لحاظ روش شناختی، در آثار و منابع علوم اجتماعی، اصطلاح «روش تحلیل گفتمان» به کاربرد کشفیات و یافته های علم زبان شناسی (به ویژه روش های تحلیل زبان که به وسیله این علم شناخته شده اند اعم از نحو شناسی و روش های تجزیه و ترکیب زبانی، واژه شناسی، معنا شناسی، واج شناسی، روایت شناسی، سبک شناسی، کاربرد شناسی، تحلیل هم نشینی و تحلیل جانشینی) در تحلیل متون، گفتارها و گفتمان های ایدئولوژیک اطلاق می شود (مهرآیین، ۱۳۸۶: ۳۷۰). دو ویژگی مهم روش تحلیل گفتمان که آن را از روش های دیگر (حتی روش های ظاهراً مشابهی همچون تحلیل محتوا) متمایز می کند، عبارت اند از: ۱. اگر روش های دیگر پژوهش در علوم اجتماعی مبتنی بر منطق «ریاضی» و «اعداد» تعریف شده اند، روش تحلیل گفتمان مبتنی بر منطق «زبان» و «واژه ها» است؛ ۲. در روش تحلیل گفتمان «واحد های متنی یا گفتاری» به عنوان واحد تحلیل در نظر گرفته می شوند. بدیهی است واحدهای متنی یا گفتاری که واحد تحلیل تلقی می شوند، می توانند در اندازه جمله، پاراگراف و یا حتی یک گفتمان ایدئولوژیک باشند. به علاوه، داده هایی که در این روش پژوهش برای آزمون فرضیه های نظری از آن ها

گفتمان اصلاح‌طلبی اسلامی در ایران پس از ... علی محمد حاضری و همکاران

استفاده می‌شود ممکن است مرکب از هر گونه ژانر گفتاری یا نوشتاری اعم از مقاله، کتاب، شعر، نمایش‌نامه، سخنرانی، جزوه یا... باشند.

۳. مبانی نظری

برای تشریح «منطقی و نظام‌مند» گفتمان اصلاح‌طلبی اسلامی، ارائه چارچوبی مفهومی و نظری ضروری است. به این منظور، برای فراهم آوردن چارچوب مفهومی کارآمد، از نظریه گفتمان بهره گرفته‌ایم.

به طور کلی، هر گفتمانی دو مقام دارد: مقام «باید» که مقام تعریف است و مقام «است» که مقام تحقق است. در مقام تعریف، برای هر گفتمانی تعریفی خالص و کامل - تعریفی که جامع افراد و مانع اغیار باشد - ارائه می‌شود و از یک «باید منطقی» سخن گفته می‌شود. اما در مقام تحقق، از وجود واقعی و تاریخی یک گفتمان، یعنی آنچه در عالم خارج محقق شده است، سخن می‌رود. در اینجا، به یک گفتمان در مقام تحقق و در بستر تولد و رشد تدریجی و تاریخی آن نگریده، و سیر تکوین تاریخی آن بازگفته می‌شود (همان، ۱۷۸).

بر این مبنا، به دو شیوه می‌توان به بحث درباره ایدئولوژی‌ها و گفتمان‌ها پرداخت: گفتمان‌شناسی پیشینی و گفتمان‌شناسی پسینی. در گفتمان‌شناسی پیشینی، پژوهشگر وارد دنیای تعریف‌های ارائه‌شده از یک گفتمان می‌شود و پس از بررسی زوایای متفاوت تعریف‌ها و نقد آن‌ها، تعریف خود را از آن گفتمان بازمی‌گوید. اما در گفتمان‌شناسی پسینی، واقعیت تاریخی مورد اجماع یک گفتمان را مفروض می‌گیرد و با بررسی تاریخ شکل‌گیری آن، به شناسایی مؤلفه‌ها و ویژگی‌های متنوع آن می‌پردازد (همان، ۱۷۸).

در این پژوهش از شیوه گفتمان‌شناسی پسینی بهره گرفته‌ایم؛ به عبارت دیگر تلاش کرده‌ایم با مطالعه و بررسی روند شکل‌گیری گفتمان اصلاح‌طلبی اسلامی، به بازشناسی این گفتمان بپردازیم. اما با توجه به اینکه گفتمان‌ها از اجزاء و عناصر مختلف برخوردارند، ورود به تاریخ هر گفتمانی بدون داشتن راهنما امکان‌پذیر نیست. به این منظور، یکی از مهم‌ترین وظایف پژوهشگر علاقه‌مند به بازسازی پسینی گفتمان، روشن کردن این مسئله است که در تحقیق خود سعی در شناسایی کدام‌یک از مؤلفه‌ها و ویژگی‌های گفتمان دارد (همان، ۱۷۸). اهمیت

این نکته در این است که در آثار و منابع پیچیده مربوط به گفتمان، از ویژگی‌ها و مؤلفه‌های متفاوتی به‌عنوان ویژگی‌ها و مؤلفه‌های یک گفتمان سخن گفته شده است.

نظریه وسنو: گفتمان تولیدگر دارد؛ تولید گفتمان نیازمند منابع است؛ تولید گفتمان در بافت‌های نهادی صورت می‌گیرد؛ گفتمان‌ها در قالب ژانرهای نوشتاری یا گفتاری متفاوت تجلی بیرونی می‌یابند (Wuthnow & Witten, 1988: 49-67).

نظریه فوکو: گفتمان مجموعه‌ای از گزاره‌ها یا احکام است؛ گفتمان حیطة کلی همه احکام است؛ گفتمان مجموعه قابل تمایزی از احکام است؛ گفتمان مجموعه‌ای از قواعد و ساختارهایی است که پاره‌گفتارها و متن‌های خاصی را تولید می‌کند؛ گفتمان «رویه‌هایی» است که به‌گونه‌ای نظام‌مند موضوعات یا ابژه‌هایی را که درباره‌شان سخن می‌گویند شکل می‌دهد؛ گفتمان‌ها در تقابل با آنچه در مقابل آنان قرار دارد تعریف می‌شوند (میلز، ۱۳۸۲: ۲۵-۴۰).

نظریه مک‌دانل: هر گفتمانی مجموعه‌ای انتزاعی از احکام نیست، بلکه مجموعه‌هایی از پاره‌گفتارها یا جمله‌ها یا احکامی است که در بطن هر بافت اجتماعی وضع می‌شود؛ توسط همان بافت اجتماعی تعین می‌یابد و موجبات تداوم هستی آن بافت اجتماعی را فراهم می‌آورد (همان، ۱۹).

نظریه پشو: گفتمان‌ها به‌لحاظ اصولی حول رویه‌های طرد یا کنارگذاری سامان می‌یابند؛ گفتمان‌ها در تقابل و تعارض با مجموعه دیگری از پاره‌گفتارها حادث می‌شوند (مک‌دانل، ۱۳۷۹: ۱۱۱-۱۳۱).

نظریه بنونیست: گفتمان پدیده‌ای تعاملی است که در یک سوی آن تولیدگر و در سوی دیگر آن مخاطب جای دارد، هر گفتمانی وجود یک گوینده و یک شنونده را مسلم فرض می‌کند (میلز، ۱۳۸۲: ۱۲).

پژوهشگر باید روشن کند که هنگام جست‌وجو در تاریخ هر گفتمانی، در پی شناخت کدام‌یک از مؤلفه‌ها و ویژگی‌های آن است: می‌خواهد تولیدگران گفتمان را شناسایی کند، در پی شناخت مخاطبان گفتمان است، سعی در شناخت ارتباط گفتمانی با گفتمان‌های رقیبش دارد، در جست‌وجوی قواعد و تمهیدات «اقناع‌سازی» گفتمان است، شناخت حد و مرزهای

گفتمان اصلاح‌طلبی اسلامی در ایران پس از ... علی محمد حاضری و همکاران

نمادین گفتمان را هدف خود قرار داده و یا در پی شناخت موضوعاتی است که آن گفتمان به بحث درباره آن‌ها پرداخته است.

برای شناسایی مؤلفه‌ها و ویژگی‌های گفتمان اصلاح‌طلبی اسلامی، دریافت تئون و ندایک (۱۹۴۳) را از مؤلفه‌های گفتمان مبنای کار خود قرار می‌دهیم. تئون. ای. و ندایک استاد مطالعات گفتمانی دانشگاه آمستردام است. او به مطالعه گسترده درباره نقش قدرت و ایدئولوژی در گفتمان و بازتولید اعتقادات اجتماعی - سیاسی در جامعه می‌پردازد (وندایک، ۱۳۸۲: ۱۰-۱۱). و ندایک از ابتدای شکل‌گیری این گرایش جدید، در قالب زبان‌شناسی انتقادی و سپس در تحلیل انتقادی گفتمان، همواره یکی از افراد شاخص و پیشرو بوده است. به تدریج، رویکرد و ندایک طی مطالعاتش در قالب تحلیل انتقادی گفتمان از دیگران متمایز شد و بر نقش شناخت در تحلیل انتقادی گفتمان، ارتباطات و تعاملات اجتماعی متمرکز شد. و ندایک موفق شد با برقراری پیوند میان سه مفهوم گفتمان، شناخت و اجتماع مثلثی شکل دهد که مبنای رویکرد متمایزش به تحلیل انتقادی گفتمان، یعنی رویکرد اجتماعی - شناختی^۱ باشد (سلطانی، ۱۳۸۴: ۵۷).

به اعتقاد و ندایک، گفتمان «شکلی از کاربرد زبان است که همچون یک تعامل یا رخداد ارتباطی در یک موقعیت اجتماعی به‌وقوع پیوسته و به مردم در انتقال اندیشه‌ها، باورها و احساساتشان کمک می‌کند.» (۱۳۸۲: ۱۸). او وظیفه یا هدف اصلی مطالعه گفتمان را توصیفی یک‌پارچه از این سه بعد اصلی گفتمان می‌داند و معتقد است گفتمان‌کاوان برای توصیفی منسجم از این سه بعد باید این مؤلفه‌های اساسی را مورد توجه قرار دهند: ۱. چه کسی به کاربرد زبان روی می‌آورد؟ ۲. چرا زبان را به کار می‌گیرد؟ ۳. چه وقت زبان را به کار می‌گیرد؟ ۴. با کاربرد زبان در پی بیان چه چیزی است (درباره چه سخن می‌گوید)؟ ۵. چگونه زبان را به کار می‌گیرد؟ و ندایک معتقد است هر گفتمانی دارای تولیدگر است (چه کسانی سخن می‌گویند؟) که برای سخن گفتن خود دلیل دارند (چرا سخن می‌گویند؟)، به بیان چیزی می‌پردازند (درباره چه سخن می‌گویند؟) و زبان را به شیوه خاصی به کار می‌گیرند (چگونه سخن می‌گویند؟) (مهرآیین، ۱۳۸۶: ۴). شیوه سخن گفتن می‌تواند ناظر به موارد مختلفی باشد؛

1. Socio-Cognitive Approach

مانند شیوه استدلال آوری، ابزار و امکانات مورد استفاده تولیدکنندگان گفتمان، شیوه طرد و حاشیه‌رانی در گفتمان، شیوه تحریک کردن و... برای جلوگیری از درازی کلام، فقط دو مورد از شیوه‌های سخن گفتن را در هر گفتمان بررسی می‌کنم. این دو شیوه عبارت‌اند از: ابزار مورد استفاده تولیدکنندگان گفتمان و شیوه استدلال آوری در گفتمان.

اگر مؤلفه‌های بالا را بر اساس اهداف پژوهشی خود بازنویسی کنیم، شکل زیر را به خود می‌گیرند:

۱. تولیدکنندگان گفتمان اصلاح‌طلبی اسلامی چه کسانی هستند؟
۲. چرا سخن می‌گویند؟ (منظور آن است که تولیدکنندگان این گفتمان بنا به چه ضرورتی - از نگاه خودشان - سخن می‌گویند؟)
۳. درباره چه سخن می‌گویند؟
۴. چگونه سخن می‌گویند؟ (با چه ابزاری سخن می‌گویند و چگونه استدلال می‌کنند؟)
۵. برای چه سخن می‌گویند یا مخاطبان‌شان چه کسانی هستند؟
۶. چه کنشی را پیشنهاد می‌کنند؟

۴. مؤلفه‌ها و ویژگی‌های گفتمان اصلاح‌طلبی اسلامی

۴-۱. تولیدکنندگان گفتمان اصلاح‌طلبی اسلامی چه کسانی هستند؟

۴-۱-۱. سیدمحمد خاتمی

سیدمحمد خاتمی فرزند آیت‌الله سید روح‌الله خاتمی در سال ۱۳۲۲ش / ۱۹۴۳م در شهر اردکان استان یزد متولد شد. پدرش مؤسس مدرسه علمی اردکان بود و پس از انقلاب اسلامی و در پی شهادت آیت‌الله صدوقی، امام جمعه شهرستان یزد شد. تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان خاتمی در اردکان طی شد. در سال ۱۳۴۰ پیش از اخذ دیپلم به شوق تحصیل در علوم و معارف دینی، درحالی‌که بخشی از مقدمات را در محضر پدر فرا گرفته بود، رهسپار شهر قم شد و در همان سال‌ها دیپلم متوسطه را نیز در رشته طبیعی دریافت کرد.

گفتمان اصلاح‌طلبی اسلامی در ایران پس از ... علی محمد حاضری و همکاران

سیدمحمد خاتمی ضمن حضور در مبارزات سیاسی در سال‌های ۱۳۴۱ و ۱۳۴۲، به مدت چهار سال در حوزه علمیه قم «مقدمات» و «سطح» را فراگرفت. در سال ۱۳۴۴ برای تحصیل در رشته فلسفه به دانشکده ادبیات اصفهان راه یافت و هم‌زمان با آن، سطوح عالی علوم دینی را در حوزه علمیه اصفهان ادامه داد. در سال ۱۳۴۸ با درجه کارشناسی از دانشگاه اصفهان دانش‌آموخته شد. در سال ۱۳۴۹، در دوره کارشناسی ارشد علوم تربیتی دانشگاه تهران پذیرفته شد و به ادامه تحصیل پرداخت. در سال ۱۳۵۰ درحالی‌که دانشگاه تهران امکان استفاده از بورس تحصیلی دوره دکترا در خارج از کشور را برایش فراهم کرده بود، به شهرستان قم بازگشت و طی هفت سال اقامت، با کوشش و جدیت مراحل دروس «خارج»، «فقه» و «اصول» و دوره عالی فلسفه را در محضر آیات عظام و استادانی چون مرتضی حائری یزدی، وحید خراسانی، سیدموسی شبیری زنجانی، شهید مرتضی مطهری و عبدالله جوادی آملی گذراند (جهرمی و پرچم، ۱۳۸۰: ۱۱۰). هم‌زمان با این ایام در دروس خصوصی شهید مطهری درباره فلسفه هگل و مارکسیسم و معارف و کلام هم شرکت می‌کرد.

در سال ۱۳۵۸ پس از اتمام این دوره تحصیلی در حوزه علمیه قم، از سوی امام خمینی (ره) به ریاست مرکز اسلامی هامبورگ منصوب شد. خاتمی در این مرکز توانست به مدد آشنایی گسترده‌ای که با محافل و شخصیت‌های علمی، فرهنگی و سیاسی مسلمانان اروپایی به دست آورده بود، در معرفی اسلام و انقلاب نقش مؤثری ایفا کند (همان، ۱۱۳-۱۱۴). او در سال ۱۳۵۹ به‌عنوان نماینده مردم اردکان و میبد به مجلس شورای اسلامی راه یافت. در آبان ۱۳۵۹ به دستور امام، سرپرستی مؤسسه مطبوعاتی کیهان را به‌عهده گرفت. همچنین در سال ۱۳۶۱ در مقام وزیر ارشاد دولت میرحسین موسوی در کابینه وی مشغول به کار شد. خاتمی در دوران دفاع مقدس، پس از سرپرستی ستاد فرماندهی کل قوا توسط نخست‌وزیر، معاونت فرهنگی ستاد فرماندهی کل قوا و ریاست تبلیغات جنگ را نیز به‌عهده گرفت (همان، ۱۱۴). خاتمی در دوره ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی نیز ریاست وزارت ارشاد را به‌عهده داشت.

از سال ۱۳۷۱ تدریس در دوره‌های کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در دروس اندیشه سیاسی، فلسفه سیاست و اندیشه سیاسی در اسلام را آغاز کرد. در سال ۱۳۷۵ به فرمان حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به عضویت شورای عالی انقلاب فرهنگی درآمد و فعالیت‌های فرهنگی خود را در این سازمان دنبال کرد. مهم‌ترین سمت خاتمی در دوران فعالیت سیاسی و فرهنگی و اجتماعی‌اش، از سال ۱۳۷۶ آغاز شد که در تاریخ ایران به دوم خرداد معروف است. او در این سال به ریاست جمهوری ایران انتخاب شد. در اواخر دهه هفتاد و پس از چهار سال فعالیت سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و علمی پرحادثه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، در سال ۱۳۸۰ نیز باز هم به‌عنوان رئیس جمهور ایران انتخاب شد. خاتمی پس از پایان دوران ریاست جمهوری، ریاست مرکز گفت‌وگوی تمدن‌ها را عهده‌دار است.

از خاتمی آثار و مقالات متعددی به چاپ رسیده است. از نخستین مقاله‌های او پس از پیروزی انقلاب اسلامی، گفتاری است با نگرشی نو در باب ولایت فقیه که در نشست سراسری اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان اروپا در تابستان ۱۳۵۸ ایراد و در مجله مکتب مبارز منتشر شد و بار دیگر، در سال ۱۳۵۹ با عنوان «ولایت از آن کیست؟» در روزنامه‌های *اطلاعات* و *کیهان* به‌چاپ رسید. از آثار او می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- *از دنیای شهر تا شهر دنیا*: این کتاب سیری در اندیشه سیاسی غرب و مجموعه درس‌هایی است که در دوره کارشناسی ارشد در دانشگاه علامه طباطبایی ایراد شده و در سال ۱۳۷۳ از سوی نشر نی به‌چاپ رسیده است.

- *آئین و اندیشه در دام خودکامگی*: این کتاب سیری در اندیشه سیاسی مسلمانان از استقرار پادشاهی اموی تا اوایل قرن سیزدهم هجری است و در دوره‌های کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس تدریس شده است.

- *نیاز و نماز* (مجموعه گفتارها و نوشتارهای سیدمحمد خاتمی).

- *احزاب و شوراها*.

- *بیم موج*: که در سال ۱۳۷۱ منتشر شد و ترجمه عربی آن نیز در سال ۱۳۷۵ در بیروت به‌چاپ رسید. از سال ۱۳۷۵ به بعد نیز آثار مختلفی از خاتمی نگارش شده که بیانگر دیدگاه‌های او درباره مسائل مختلف است.

گفتمان اصلاح‌طلبی اسلامی در ایران پس از ... علی محمد حاضری و همکاران

۲-۱-۴. سیدمحمد موسوی بجنوردی

سیدمحمد موسوی بجنوردی در سال ۱۳۲۲ش در نجف اشرف متولد شد؛ ولی در شناسنامه او ۱۳۲۴ به‌عنوان سال تولدش رقم خورده است. او تحصیلات علوم حوزی و دینی خود را در ایران و نجف اشرف به انجام رساند. موسوی بجنوردی به مدت سی سال در محضر استادان درجه اول فقه، اصول و فلسفه از جمله امام خمینی^(ره)، آیت‌الله میرزا سیدحسن بجنوردی پدرش - صاحب کتاب *التواعد الفقهیه* و مرجع تقلید وقت - آیت‌الله خویی و آیت‌الله حکیم در نجف اشرف به فراگیری علوم دینی پرداخت. موسوی بجنوردی که دروس جدید و حوزی را با هم می‌خواند، در هجده‌سالگی *کفایتین* (سطح ۳) را به پایان رساند. او *کفایتین* و *شرح منظومه* ملاهادی سبزواری و *اسفار* را نزد آیت‌الله شیخ صدرا بادکوبه‌ای خواند و در سال ۱۳۴۰ درس خارج را نزد پدر خود و آیت‌الله سید محسن حکیم گذراند.

موسوی بجنوردی پس از تبعید امام خمینی^(ره) به نجف اشرف در بهار ۱۳۴۴، یکی از همراهان امام بود. هم‌زمان با حضور در درس خارج امام موسوی بجنوردی، به مدت دوازده‌سال در کلاس‌های آیت‌الله خویی نیز حاضر می‌شد. او در طول این مدت در مسجد جامع نجف اشرف (هندی) *رسائل*، *مکاسب* و *کفایتین* را به زبان عربی برای شیعیان کشورهای عرب‌زبان همچون عراق، لبنان، سوریه و مصر تدریس می‌کرد.

پس از بازگشت امام از نجف به پاریس، او نیز حضرت امام را همراهی کرد. بجنوردی پس از پیروزی انقلاب به ایران آمد و در دفتر استفتات امام مشغول به کار شد. در سال ۱۳۵۹ به‌دستور امام، دادگاه عالی قضات را راه‌اندازی کرد. او از سال ۱۳۶۰ به مدت دو دوره تا سال ۱۳۶۸ به عضویت شورای عالی قضایی درآمد. عضویت او در این شورا تا ارتحال حضرت امام و تغییر در قانون اساسی - که به حذف شورای عالی قضایی منجر شد - ادامه داشت. در این شورا، بخش مهمی از تدوین قوانین و اصلاحیه‌های مربوط به قانون مدنی، آیین دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی و نظارت مستقیم بر احکام همه دادگاه‌ها بر عهده او بوده است. بجنوردی هم‌زمان با این فعالیت‌های اجتماعی و امور اجرایی، تدریس و تحقیق در دانشکده‌های حقوق دانشگاه‌های شهید بهشتی و تربیت مدرس و نیز دانشکده الهیات دانشگاه تهران را دنبال کرد. در سال ۱۳۶۸ به رتبه دانشیاری و در سال ۱۳۸۲ به رتبه استادی رسید.

هم‌اکنون نیز به‌طور رسمی در دانشکده‌های حقوق و الهیات دانشگاه‌های قم (کارشناسی ارشد)، تربیت معلم، تهران، امام صادق^(ع)، شهید بهشتی، آزاد (کارشناسی ارشد و دکتری)، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی (کارشناسی ارشد و دکتری) و مؤسسه عالی بانکداری ایران (کارشناسی ارشد) مشغول تدریس است. او دو درس خارج فقه و اصول را نیز در حوزه علمیه تدریس می‌کند.

۳-۱-۴. سیدمحمد موسوی خوئینی‌ها

سیدمحمد موسوی خوئینی‌ها فرزند محمدحسین خوئینی‌ها در ۳۱ فروردین ۱۳۲۰ش در قزوین به دنیا آمد. او پس از دوره ابتدایی، وارد مدرسه علمیه «التفاتیه» شد و نزد علمای آنجا ادبیات عرب و شرح *لمعه* را فراگرفت. از اتفاقات این دوره از زندگی‌اش، ملازمت با آیت‌الله علی‌اکبر الهیان، از پیشروان مشرب تفکیک است. او نزد آن عالم وارسته قسمت‌هایی از *المطول* (تفتازانی)، *الهیات* و *شفا* (ابن سینا) و برخی کتاب‌های حدیثی را خواند (موسوی خوئینی‌ها، ۲۹۵). او در بیست‌سالگی اندکی پیش از درگذشت آیت‌الله بروجردی (۱۳۴۰)، راهی شهر قم شد. *قوانین‌الاصول* را نزد شیخ مصطفی اعتمادیان و *فوائد‌الاصول* را نزد جعفر سبحانی آموخت. حسینعلی منتظری معلم *مکاسب* او و محمد باقر سلطانی طباطبایی آموزگار *کفایة‌الاصول* او بود. او در همین دوره، شرح *منظومه* را از انصاری شیرازی فراگرفت و *اسفار* را از علامه طباطبایی آموخت. موسوی خوئینی‌ها همچون دیگر طلبه‌ها پس از پایان دوره سطح، در درس خارج فقه و اصول حاضر شد (شهروند امروز، ۱۳/۸/۱۳۸۶). در همان سال‌ها، امام خمینی^(ره) از ایران تبعید شده بود؛ به همین سبب او به پای مکتب استادان درس خارج، فقه و اصول محقق داماد، اراکی، منتظری و حائری یزدی رفت و این دوره را نزد آنان گذراند. در اواسط دهه چهل، دو بار به نجف اشرف رفت و در محضر امام در درس خارج و اصول که به «ولایت فقیه» اختصاص یافته بود، حاضر شد و در این مبحث شاگرد امام بود (همان‌جا).

موسوی خوئینی‌ها در اواخر دهه چهل به قم بازگشت و از آنجا به تهران آمد. ضمن اقامه نماز جماعت در مسجد مهدیه (واقع در جوزستان کنار محله جماران)، در همان‌جا جلسات تفسیر قرآن برپا می‌کرد. جلسات او به سبب روش و برداشت‌های عصری از کتاب خدا، مورد

گفتمان اصلاح‌طلبی اسلامی در ایران پس از ... علی‌محمد حاضری و همکاران

استقبال دانشجویان و انقلابی‌ها بود (موسوی خوئینی‌ها، ۲۹۶). او از مبارزان علیه نظام ستم‌شاهی بود و در سال ۱۳۵۵ دستگیر شد. اما پس از ده ماه، در پی رویکرد ظاهری رژیم شاه به دموکراسی آزاد شد. با شدت گرفتن حرکت اسلامی مردم ایران، در تدوین اساس‌نامه و برنامه‌ریزی تشکیلاتی «جامعه روحانیت مبارز تهران» و حزبی نقشی مهم و اساسی داشت. جامعه روحانیت مبارز تهران بعدها در طلیعه پیروزی انقلاب اسلامی بهمن ۵۷، «حزب جمهوری اسلامی» نامیده شد. موسوی خوئینی‌ها در پاییز ۱۳۵۷ پس از هجرت امام خمینی به فرانسه، بنا به درخواست سیداحمد خمینی و مبارزان داخل کشور، به پاریس رفت و همراه ایشان به وطن بازگشت (همان، ۲۹۶).

پس از پیروزی انقلاب، موسوی خوئینی‌ها این سمت‌ها را برعهده داشت: نمایندگی امام خمینی^(۷) در رادیو و تلویزیون ملی ایران، نماینده امام و عضو شورای سرپرستی صدا و سیما، نماینده تام‌الاختیار امام در تعیین (تأیید) صلاحیت کاندیداهای نخستین دوره انتخابات ریاست جمهوری، سرپرستی دانشجویان مسلمان پیرو خط امام (تسخیرکنندگان لانه جاسوسی آمریکا) در ۱۳ آبان ۱۳۵۸، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی، نماینده مردم زنجان در اولین دوره مجلس خبرگان رهبری، نماینده امام و سرپرست حجاج ایرانی (۶۱-۶۳)، دادستان کل کشور (منسوب از طرف امام) در سال‌های ۶۴-۶۸، انشعاب از «جامعه روحانیت مبارز تهران» و عضو مؤسس مجمع روحانیان مبارز تهران، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام، عضویت در شورای بازنگری قانون اساسی مشاور رهبری در سال‌های ۶۸-۷۸ و سرانجام مؤسس روزنامه سلام. از او مقاله‌ها، مصاحبه‌ها و سخنرانی‌های متعددی در تبیین انقلاب اسلامی، اسلام ناب، خط امام و حکومت اسلامی منتشر شده است (همان، ۲۹۶-۲۹۷).

۲-۴. چرا سخن می‌گویند؟

اساساً چرایی سخن گفتن تولیدکنندگان این گفتمان برخاسته از شرایط اجتماعی ایران است. در شکل‌گیری این گفتمان هم رویدادهای ایران و هم اوضاع و احوال جهانی نقش داشت. در واقع روشنفکران و اصلاح‌طلبان دینی به رویدادهای بیرون از حوزه دین بی‌اعتنا و به مسائل فکری مدرن بی‌علاقه نیستند و در عین حال که اندیشناک ایمان دینی خود هستند، از رویدادهای

زمانه و تحولات جهان نیز اثر می‌پذیرند (سروش، ۱۳۶۷: ۴۸). انقلاب اسلامی ایران یکی از بزرگ‌ترین رویدادهای نیمه دوم قرن بیستم بود که در ایران و جهان تکان شدیدی پدید آورد. انقلاب ایران دیرزمانی توجه جهانیان و محافل روشنفکری سراسر جهان را به خود جلب کرد. زمانی که تب و تاب انقلاب و شور و شوق ناشی از آن فرونشست، روشنفکران دینی و بخشی از روحانیان با نگاهی اصلاحی به دین نگریستند. نمایندگان این گفتمان خود را ادامه‌دهنده راه امام و انقلاب اسلامی می‌دانند. گفتمان اصلاح‌طلبی را با شعارهایی همچون آزادی بیان، دموکراسی، جامعه مدنی، رفاه اقتصادی، عدالت اجتماعی، مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خود و... می‌توان بازشناخت. سیدمحمد خاتمی در مقام یکی از تولیدکنندگان اصلی این گفتمان می‌گوید:

به‌یقین، ارتقای سطح دخالت و مشارکت صاحب‌نظران در فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری دولت، هم انجام وظایف و تکالیف دولت، هم مهم‌ترین حق مردم، یعنی تعیین سرنوشت را محقق خواهد کرد. برای دستیابی به این مهم، حکومت موظف است فضای امنی برای برخورد اندیشه‌ها و آراء در چارچوب ضوابطی که اسلام و قانون اساسی مشخص کرده است، فراهم سازد. دولت باید ظرفیت و فرهنگ مشارکت‌پذیری و نقد و اصلاح را در جامعه گسترش دهد و خود پیشگام و سرمشق تحمل و جلب مشارکت باشد (خاتمی، ۱۳۷۹: ۱۷).

بنا به ادعای تولیدکنندگان این گفتمان، یکی از مهم‌ترین اهداف شکل‌گیری آن پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بیشتر، فراهم کردن فضای آزاداندیشی و نقد درون نظام جمهوری اسلامی با تکیه بر اصول حاکم بر آن، و گسترش مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خود و کشور بوده است. سیدمحمد خاتمی در ادامه بیان می‌کند:

این وظیفه همیشگی دولت جمهوری اسلامی است که سیاست‌ها و برنامه‌های خود را بر اساس جوهر اسلام و عدم مغایرت آن‌ها با موازین شرع بنا نهد و زمینه‌های لازم را برای ارتقای اندیشه اسلامی و معنویت و اخلاق محمدی و زدودن رذیلت‌های اخلاقی در جامعه فراهم کند و روح عدالت علوی را به تمام سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های اجرایی تسری دهد (همان، ۱۸).

گفتمان اصلاح‌طلبی اسلامی در ایران پس از ... علی‌محمد حاضری و همکاران

تولیدکنندگان این گفتمان، هدف خود را احیای شعارها و اهداف اصیل انقلاب اسلامی می‌دانند؛ اهدافی که در طول سال‌های پس از انقلاب اسلامی در حاشیه قرار گرفته بود.

۳-۴. درباره چه سخن می‌گویند؟

گفتمان اصلاح‌طلبی اسلامی پس از پیروزی انقلاب، به‌ویژه با ریاست جمهوری خاتمی در انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶، به صورت گسترده‌تر مورد توجه قرار گرفت. این گفتمان در باب مفاهیمی چون جامعه مدنی، دموکراسی دینی، آزادی بیان، حقوق بشر، عدالت اجتماعی، تثبیت قانون اساسی و... دوباره مطرح شد. به ادعای اصلاح‌طلبان، این مفاهیم در طول سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی در حاشیه قرار گرفته بود. در اینجا به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

۱-۳-۴. جامعه مدنی

در دهه اول انقلاب به‌ویژه در اوضاع و احوال جنگ، اغلب آنچه روشنفکران ایرانی و به طور کلی ذهنیت جامعه را به خود مشغول می‌داشت، آرمان‌های انقلابی بود. در دهه دوم انقلاب در دوران ریاست جمهوری آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، توسعه اقتصادی، محور سیاست‌های دولت قرار گرفت و رفته‌رفته تب و تاب انقلابی فرو نشست. با روی کار آمدن سیدمحمد خاتمی نیز آرمان‌خواهی انقلابی کم‌رنگ‌تر شد (متقی، ۸). خاتمی با شعار توسعه سیاسی و جامعه مدنی - هر چند با پسوند دینی و اسلامی - پا به میدان گذاشت. در دوره اول ریاست جمهوری او بحث داغ جامعه مدنی که پیشتر برخی روشنفکران اصلاح‌طلب آن را مطرح کرده بودند، داغ‌تر شد. از این زمان به بعد با گشایشی که در فضای رسانه‌ای و سیاسی کشور پدید آمده بود، بسیاری از اهل قلم و روشنفکران درباره آن مقاله و رساله نوشتند. اما این مفهوم در دور دوم ریاست جمهوری کم‌رنگ باخت و مباحث زیادی درباره آن مطرح نشد.

از مهم‌ترین مسائلی که درباره جامعه مدنی بیان شد، سازگاری یا ناسازگاری آن با جامعه دینی و چگونگی شکل‌گیری و تحقق آن در جمهوری اسلامی بود. قبل از هر چیز لازم است مفهوم جامعه مدنی و برداشت‌ها و تعریف‌هایی که از آن ارائه شده است، روشن‌تر شود.

«جامعه مدنی» همچون بسیاری از مفاهیم دیگر در عرصه علوم انسانی و اجتماعی، مفهومی اساساً مناقشه‌برانگیز است. در مورد معنا و محتوای این مفهوم می‌توان گفت دامنه تاریخی آن در غرب از دوره باستان تا زمان کنونی را دربرمی‌گیرد و دامنه محتوایی آن به تعداد مکاتب و اندیشه‌های سیاسی گسترده است. ریشه جامعه مدنی به کلمه یونانی Polis به معنای دولت-شهر بازمی‌گردد. ارسطو آن را جامعه‌ای می‌دانست که تمام شهروندان آن آزاد و از حق مالکیت برخوردار بودند. این نام در روم باستان به تشکلهای حقوقی و اساسی اطلاق می‌شد. با گذشت زمان، معانی جامعه مدنی هم دچار تغییر شد. برخی آن را در مقابل وضع طبیعی به‌کار گرفتند و جامعه مدنی را جامعه‌ای دانستند که در آن نظم اجتماعی، تقسیم کار و نظام‌مندی وجود داشته باشد (امیری، ۱۳۸۶: ۱۶۲). جامعه مدنی به این معنا، سبکی از زندگی است که در مقابل جوامع سنتی و قبیله‌ای قرار دارد. سعید حجاریان، یکی از تولیدکنندگان این گفتمان، درباره جامعه مدنی می‌گوید:

همگام با رشد شهرها بر اثر صنعتی شدن و پیدایش علوم و فنون پیشرفته و نیز گسترش نظام‌های اقتصادی جدید، مفهوم جامعه مدنی در مقابل مجتمع‌های خویشاوندی گذشته مطرح شد و نظریه‌پردازان و فیلسوفانی همچون جان لاک، روسو، منتسکیو، هگل و گرامشی هریک از زاویه‌ای به ضرورت رشد و تعمیق جامعه مدنی پرداختند (۱۳۷۹: ۵۷). افراد دیگری جامعه مدنی را جامعه‌ای می‌دانند که در مقابل جوامع استبدادی و مطلقه قرار می‌گیرد. بر اساس این نگرش، جامعه مدنی در گذار از سنت به مدرنیته ایجاد شده است و طی آن، مناسبات فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی جامعه به دست شهروندان می‌افتد. محسن کدیور معتقد است در مورد مفهوم جامعه مدنی همچون مفاهیم دیگر حوزه علوم انسانی، همسانی و سازگاری کلی دیده نمی‌شود. از دیدگاه او، از زمان مارکس به بعد، معیارهای مختلفی برای جامعه مدنی ارائه شده است. مدرنیته و تجلّد، مناسبات فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خاص خود را به‌همراه آورد که یکی از آن‌ها جامعه مدنی بود (کدیور، ۱۳۷۹: ۲۵۸). به اعتقاد کدیور

جامعه مدنی پس از «دولت مطلقه» در غرب مطرح شد. دولت مطلقه دولتی بود که تمام عرصه‌های زندگی شهروندان خود را تحت سلطه می‌گرفت و امکانات نامحدودی را در

گفتمان اصلاح‌طلبی اسلامی در ایران پس از ... علی محمد حاضری و همکاران

اختیار داشت. اندیشه برپایی جامعه مدنی برای حفظ کیان فردیت و حل نشدن آحاد جامعه در آنچه دولت پسندیده است شکل گرفت (همان، ۲۵۸).

از دیدگاه او، جامعه مدنی حوزه‌ای از روابط اجتماعی است که فارغ از دخالت قدرت دولت است. همچنین مجموعه نهادها، مؤسسات، انجمن‌ها، تشکلهای غیردولتی و مدنی، و به بیان دیگر عرصه زندگی فردی و اجتماعی مستقل از دولت، جامعه مدنی را تشکیل می‌دهد (همان‌جا).

در برخی تعریف‌های دیگر، جامعه مدنی رنگ و بوی جامعه‌ای قانون‌مدار را به خود می‌گیرد؛ حتی آزادی در چنین جامعه‌ای در چارچوب سلسله قواعد و قوانین کلی و عام محدود می‌شود. جامعه مدنی به این معنا، جامعه‌ای قانونمند است که انسان‌ها در آن هم محدود می‌شوند و هم مصون می‌مانند (غنی‌نژاد، ۱۳۷۵: ۴).

در تفسیرهای جدید و مدرن، جامعه مدنی به معنای مشهور و اصلی خود مجموعه‌ای از افرادی است که با اراده و انتخاب خود و مستقل از دولت، گروه‌ها و انجمن‌ها را تشکیل می‌دهند. این معنای مشهور جامعه مدنی، وامدار هگل و بحث او در ضرورت تشکیل حوزه‌ای واسط میان آحاد ملت و دولت است. هگل آن را روشی برای تکمیل دموکراسی می‌داند. با توجه به این معنای جامعه مدنی، کارگزاران جامعه مدنی را نیروها، طبقات و گروه‌ها، جنبش‌های اجتماعی، نهادها، سازمان‌ها و گروه‌های فشار تشکیل می‌دهند. این کارگزاران دور از دسترس دولت درباره موضوعات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و ایدئولوژیک به نزاع و چالش با همدیگر می‌پردازند و فارغ از قدرت و دخالت دولت هستند (بشیریه، ۱۳۷۴: ۳۳۲). در این حوزه عمومی، افراد و گروه‌ها بدون دخالت دولت خواست‌های خود را پیگیری می‌کنند و به صورت لایه‌ای بین زندگی خصوصی افراد و دولت، با گفت‌وگو و مفاهمه به جمع‌بندی خواست‌ها و تعامل با دولت می‌پردازند (امیری، ۱۳۸۶: ۱۶۴).

تشکلهای جامعه مدنی، منبعی برای تقویت و تحکیم حقایق گوناگون و نه یک حقیقت واحد متعلق به یک فرد یا گروه هستند. حتی اگر حقیقت واحد باشد، هریک از گروه‌ها و افراد دارای روش‌های گوناگونی برای دستیابی به آن حقیقت هستند. در شرایط نبود تشکلهای جامعه ظرفیت بالایی برای پذیرش حقیقت واحد دارد؛ چرا که افراد مجال تصور

تکثر را ندارد. اما در صورت وجود تشکلهای، افراد تکثر را تجربه می‌کنند و تصور آن‌ها از حقایق با یکدیگر تقابل پیدا می‌کند (محمدی، ۱۳۷۶: ۲۵).

جامعه مدنی به این معنا با پلورالیسم و تکثرهای ارزشی افراد نسبت مستقیمی دارد. در چنین جامعه‌ای تشخیص خیر و فضیلت به عهده هر فرد و انتخاب او است. احزاب بر اساس منافع مشترک اصناف و طبقات شکل می‌گیرد و قدرت بین آن‌ها توزیع می‌شود و هر گروه و انجمنی به دنبال اهدافی متفاوت با دیگران است [۱] (واعظی، ۱۳۷۸: ۶۹-۷۰). پس یکی از مبانی جامعه مدنی، کثرت‌گرایی یا به عبارتی چندگانگی در عرصه‌های گوناگون است. بسیاری از روشنفکران اصلاح طلب دینی در قبول یا رد نسبت پلورالیسم با جامعه دینی و یا محدود کردن آن به حوزه خاصی، با یکدیگر مناقشه دارند. برخی از آنان کثرت‌گرایی را به قلمرو دین اسلام محدود می‌کنند و برخی دیگر کثرت‌گرایی را در حوزه اقتصاد و سیاست می‌پذیرند؛ اما در قلمرو دین آن را در تضاد با دینداری می‌دانند. برای مثال، حسن یوسفی اشکوری پلورالیسم را اگر به معنای حقانیت همه ادیان باشد، نمی‌پذیرد؛ چنان‌که می‌گوید:

بحث پلورالیسم از مباحث مهم و کلیدی است که باید به طور مستقل به آن پرداخت. اما به اختصار عرض می‌کنم که بنده به پلورالیسم دینی به معنای حق بودن تمام ادیان به طور مطلق یا حقانیت مساوی همه ادیان هیچ اعتقادی ندارم؛ چرا که این نظریه را نه مطلقاً قابل اثبات می‌دانم و نه آن را با مبادی درون دینی سازگار می‌بالم و نه در عمل فایده‌ای برای آن می‌بینم (یوسفی اشکوری، ۲۶۸).

سرانجام در مفهوم و تعریف جامعه مدنی از نگاه اندیشمندان مختلف، به اختصار باید گفت جامعه مدنی در اندیشه ارسطویی به مفهوم دولت در مقابل خانواده است؛ در اندیشه اصحاب قرارداد اجتماعی در مقابل وضع طبیعی به کار رفته است؛ گاهی به معنای جامعه متمدن در مقابل جامعه سنتی است؛ در اندیشه مارکس به معنای شکل اولیه تکوین دولت، و در اندیشه هگل به معنای علایق و سلاقی طبقات ایدئولوژیک و هژمونی فکری طبقه حاکم به کار رفته است (افتخاری، ۱۳۷۷: ۳۳). علاوه بر این‌ها، گاهی به معنای فرهنگ، ایدئولوژی و روش استفاده شده است؛ به گونه‌ای که هم می‌تواند بستر توسعه، هم روش توسعه و هم هدف آن باشد (پدرام، ۷).

گفتمان اصلاح‌طلبی اسلامی در ایران پس از ... علی محمد حاضری و همکاران

با آغاز دوران حاکمیت اصلاحات، جامعه مدنی بیش از پیش در کانون توجهات قرار گرفت و کتاب‌ها و مقاله‌های پرشماری برای توضیح این مفهوم انتشار یافت. به قول یکی از ناشران، «در عرض دو سال صدها مقاله و کتاب در این مورد چاپ شد.» (معصومی و میراحمدی، جامعه مدنی در مطبوعات: شماره ۶). هم‌زمان با چاپ این آثار، طی چندین سال، نشست‌ها (با عنوان تحقّق جامعه مدنی در انقلاب اسلامی) و همایش‌های بسیاری (اولین همایش جامعه مدنی و اندیشه دینی) برای فهم جامعه مدنی برگزار شد (متقی، ۸). این مباحث همگی به این دلیل اوج گرفت که رئیس جمهور نظام از جامعه مدنی سخن می‌گفت. در نتیجه، بررسی رابطه جامعه دینی با جامعه مدنی به موضوع محوری بسیاری از نوشته‌ها تبدیل شد و روشنفکران دینی سعی می‌کردند این مقوله را بفهمند و توضیح دهند، تا جایی که گاه در جست‌وجوی خاستگاه‌های آن به صدر اسلام می‌رسیدند. سیدمحمد خاتمی در آغاز از جامعه مدنی مدینه‌النبی سخن گفت و پس از او اصطلاحات و عناوینی مانند جامعه مدنی دینی، جامعه مدنی دوران پیامبر (ص)، جامعه مدنی در صدر اسلام، جامعه مدنی در قرآن و نهج‌البلاغه، جامعه مدنی نزد امام خمینی (ره)، جامعه مدنی از دیدگاه آیت‌الله مطهری و غیره مطرح شد. خاتمی در سخنرانی اوایل دوران ریاست جمهوری خویش، جامعه‌ای را به تصویر کشید که سرشار از سلیقه‌ها و گرایش‌های گوناگون است؛ جامعه‌ای که در آن نه تنها نشانی از حاکمیت مطلق اکثریت و حذف و نادیده انگاشتن اقلیت نیست، بلکه منزلت استعلا یافتن هر سلیقه‌ای می‌تواند آسیب‌زا باشد:

... باید اختلاف سلیقه‌ها را پذیرفت. قطعاً هرکدام از ما سلیقه خاص خودمان را داریم، ... این باعث تکامل می‌شود و قدرت شعور، درک و انتخاب و داوری مردم را که صاحبان اصلی جامعه هستند، بالا می‌برد. آنچه مهم است... این است که در عین اینکه سلیقه بیان می‌شود، ... [کسی مدعی] نشود که فلان سلیقه و فلان نظر عین اسلام و عین انقلاب است و در نتیجه، تمام صاحب‌نظران دیگر خارج از نظام تلقی شوند و نظام از نظر امنیت و از نظر ساختار و دوام و استحکام آسیب ببیند (۱۳۷۷/۲/۲۸).

چنین جامعه‌ای بیش از هر چیز جامعه‌ای مشارکتی است که بر مبنای تحمل یکدیگر و همزیستی مسالمت‌آمیز، اخلاقی و قانونی آحاد مختلف جامعه، و حقوق و وظایف مشخص شهروندان و سازمان‌ها و نهادها استوار است (تاجیک، ۱۳۷۹: ۲۱۲).

از نظر خاتمی، مهم‌ترین شرط استقرار جامعه مدنی پذیرش قانون اساسی است و قانون، مهم‌ترین شرط مردم‌سالاری و احترام به تأیید و رأی اکثریت است (خاتمی، ۱۳۷۷/۳/۲). با گشایشی که پس از دوم خرداد ۱۳۷۶ در فضای سیاسی کشور رخ داد، در مدت کوتاهی، بسیاری از نویسندگان درباره مفهوم جامعه مدنی و بسیاری از مفاهیم جدید مطلب نوشتند و برداشت‌های مختلفی از مفهوم جامعه مدنی عرضه کردند. سیدمحمد خاتمی در سخنرانی خویش در افتتاحیه کنفرانس اسلامی، جامعه مدنی مورد نظرش را چنین تعریف کرد:

... جامعه مدنی که ما خواستار استقرار و تکامل آن در درون کشور خود هستیم و آن را به سایر کشورهای اسلامی نیز توصیه می‌کنیم، به طور ریشه‌ای و اساسی با جامعه مدنی که از تفکرات فلسفی یونان و تجربیات سیاسی روم سرچشمه می‌گیرد و با گذر از قرون وسطی به دنیای متجدد هیت و جهت ویژه خود را یافته است، اختلاف ماهوی دارد... جامعه مدنی مورد نظر ما از حیث تاریخ و مبانی نظری ریشه در مدینه‌النبی دارد (۱۳۷۶/۹/۱۸).

او همچنین در تاریخ ۷۶/۹/۲۳ در مصاحبه تلویزیونی با خبرنگاران داخلی و خارجی گفت: «... جامعه مدنی مورد نظر ما از نظر ریشه و ماهیت با جامعه مدنی که در غرب است متفاوت است. یکی از مدینه‌النبی سرچشمه می‌گیرد و یکی از دولت - شهرهای یونان...»

از دیدگاه خاتمی، در جامعه مدنی دینی فقط مسلمانان صاحب حق نیستند؛ بلکه همه انسان‌ها در چارچوب نظم و قانون صاحب حق‌اند و دفاع از آن‌ها وظیفه حکومت است. جامعه مدنی مفهومی غربی بوده است و در غرب معانی مختلفی دارد؛ اما خاتمی معتقد است مسلمانان هم می‌توانند با معیارهای خودشان قرائتی خاص از آن داشته باشند که با حقوق مردم و مصالح آن‌ها سازگار باشد (خاتمی، ۱۳۷۷/۹/۱۶).

دو گروه در مقابل این مفهوم موضع‌گیری کردند: گروه اول سنت‌گرایان فقهی و گروه‌های راست سنتی بودند که اصلاً این مفهوم را قبول نداشتند و معتقد به سازگاری آن با جامعه دینی نبودند. گروه دیگر درون جبهه اصلاحات بودند و نظریات متفاوتی درباره جامعه مدنی و نسبت آن

گفتمان اصلاح‌طلبی اسلامی در ایران پس از ... علی محمد حاضری و همکاران

با جامعه دینی داشتند. بخشی از جریان نوگرایی دینی استدلال می‌کردند که بستر و خاستگاه و معنای دو مفهوم با هم متفاوت است و در نتیجه بین این دو ناسازگاری وجود دارد. به نظر آن‌ها، دین مقوله‌ای آسمانی، مقدس و معنوی است و جامعه مدنی زمینی، بشری و غربی است؛ در نتیجه هماهنگی بین آن‌ها ناممکن است. از نظر این گروه، در صورت تحقق چنین جامعه‌ای شهروندان می‌توانند در تمام امور زندگی خود حتی در امور بنیادین، بی‌هیچ حد و مرزی جعل قانون کنند و آن را تغییر دهند (بشیریه، مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی به نقل از امیری، ۱۳۸۶: ۱۶۷). بخش دیگری از اصلاح‌طلبان، جامعه مدنی را به معنای مشهور آن، یعنی ایجاد نهادهای واسط میان مردم و حکومت در نظر می‌گرفتند و آن را چندان با جامعه دینی سازگار نمی‌دیدند. آن‌ها معتقد بودند تشکیل حوزه‌ای از روابط اجتماعی که فارغ از دخالت دولت و قدرت سیاسی باشد، در نظام اسلامی ممکن است و می‌توان عرصه و مجموعه‌ای از نهادها، مؤسسات، انجمن‌ها و تشکلهای خصوصی را تصور کرد که مستقل از دولت باشد (کدیور، ۱۳۷۷: ۱۲۸-۱۳۵).

۲-۳-۴. حکومت دینی

یکی دیگر از مبانی‌ای که در کانون توجه تولیدکنندگان گفتمان اصلاح‌طلبی اسلامی قرار گرفت، مبانی حکومت دینی بود. سیدمحمد موسوی خوئینی‌ها در تبیین حکومت دینی معتقد است حکومت دینی در معانی مختلفی ممکن است به کار برده شود. از نظر او، چهار معنا برای حکومت دینی مفروض است: ۱. حکومت دینی گاه می‌تواند به معنای حکومتی که احکام اسلامی در تمام اقدامات آن لحاظ شود به کار برده شود. ۲. معنای دیگر آن، حکومت منتسب به دین است. برای مثال، حکومتی که عالمان طراز اول دینی آن را تأیید کنند؛ مانند سلطنت. ۳. معنای سوم حکومت دینی این است که حاکم آن از طرف خداوند منصوب باشد. ۴. آخرین معنایی که او برای حکومت دینی لحاظ می‌کند این است که سازمان حکومت و انتصاب حاکمان با اذن و رضایت عامه مسلمانان و رعایت احکام دین در اداره امور جامعه باشد (موسوی خوئینی‌ها، جزوه منتشرنشده).

از دیدگاه موسوی خوئینی‌ها، اختلاف اساسی در جامعه ایران بر سر دو دریافت آخر از حکومت دینی است. این اختلاف بر سر این مسئله است که اگر تشکیل حکومت از سوی

مسلمانان را واجب بدانیم، آیا این حکم از احکام تأسیسی است یا از احکام امضایی که با قبول روح و جوهره اسلام - همان چیزی که برخاسته از تجربه و دانش بشری بوده است - مورد قبول و امضای شارع واقع شده است؟ او در پاسخ به این سؤال می‌گوید:

اگر حکومت را از احکام امضایی بدانیم، تغییر و تحول در آن راه می‌یابد؛ درحالی‌که اگر از احکام تأسیسی بدانیم، تغییر در آن رسوخ نمی‌کند مگر در صورتی که موضوع حکم چنان دستخوش تغییر شود که حکم اولیه قابل اجرا نباشد. در این باب می‌توان گفت اولاً شأن اسلام و سایر ادیان این نیست که در امور عقلایی تجربی خرق عادت ایجاد کند، بلکه به طور کلی آنچه که بر مسلمانان عقلاً واجب است و شارع مقدس هم آن را امضا کرده، تشکیل حکومت است و دوم اینکه بر مسلمانان واجب است در جامعه اسلامی حدود الهی را اجرا کنند و به ترویج و تبلیغ دین بپردازند و چون امکان دخالت همه مردم در جزء جزء امور نیست به حکم عقل اجتماعی، مردم این وظایف را به فرد یا جمع خاص واگذار می‌کنند که در زمان امام معصوم بر عهده وی است و در زمان غیبت، هر شیوه‌ای که جامعه مسلمانان آن را بهترین شیوه دانست مورد استفاده قرار می‌گیرد. نظیر تفکیک قوا یا زمان محدود برای قدرت فردی (همان‌جا).

همچنین از نظر او، حکومت مقوله‌ای اجتماعی است؛ یعنی نیازی از نیازهای جدی جامعه است که انسان نمی‌تواند بدون آن زندگی اجتماعی داشته باشد. از سوی دیگر، جامعه هیچ وقت نمی‌تواند حالت ایستایی و توقف داشته باشد و عوامل مختلف از درون و بیرون بر این روند تأثیرگذارند. پس برای اینکه حکومت دینی پاسخ‌گوی نیازهای عصر خویش باشد، باید از حالت ایستا خارج شود و شکل پویایی به خود بگیرد. به نظر خوئینی‌ها، برای استقرار حکومت دینی نباید از قوای قهریه استفاده کرد؛ زیرا هدف نظام اسلامی، اجرای ارزش‌های خداوند است و شرطش آن است که مردم نیاز داشته باشند و اسلام به‌عنوان پاسخ‌گویی به این نیاز مردم مستقر شود (موسوی خوئینی‌ها، مفهوم حکومت دینی، اندیشه حکومت، ۹-۱۱).

خوئینی‌ها به این قرائت از دین نقد وارد می‌کنند و آن را برای حکومت دینی مضر می‌دانند: قرائتی از دین که معتقد است مردم چیزی ندارند تا به حاکم فقیه و عادل خود بدهند. او بر این باور است که این نگرش به حکومت دینی آن را با چالش جدی روبه‌رو می‌کند؛ به گونه‌ای که با

گفتمان اصلاح‌طلبی اسلامی در ایران پس از ... علی محمد حاضری و همکاران

یکسان دانستن بقای خود و بقای دین همه اشتباهات و لغزش‌های مجریان به پای دین گذاشته می‌شود (همان‌جا).

موسوی بجنوردی نیز در مقام یکی دیگر از تولیدکنندگان این گفتمان، بحث حکومت اسلامی و بنای عقلا را مطرح می‌کند. او در پاسخ به این سؤال: آیا در مباحث فقه سیاسی لازم است قواعد فقهی تازه‌ای استنباط شود یا می‌توان به همان قواعدی که فقها از گذشته داشته‌اند و پیشتر در بحث‌های غیرحکومتی به کار می‌رفته بسنده کرد؟ می‌گوید احکام شرعی مسلمانان، همان‌طور که فقهای گذشته به‌ویژه امام^(ره) گفته‌اند، به سه دسته تقسیم می‌شود: بعضی از احکام جزء عبادیات است، یعنی فقط رابطه عبد است با خدای خویش؛ پاره‌ای از احکام هم جزء «حقوق خصوصی» و مربوط به آحاد مردم است؛ گروه سوم هم «حقوق عمومی» است که به جامعه و فرد از آن جهت که جزء جامعه است تعلق می‌گیرد (موسوی بجنوردی، حکومت اسلامی و بنای عقلا، ۷-۸).

از دیدگاه موسوی بجنوردی، اکثر حقوق عمومی در اسلام جنبه عقلایی و امضایی دارد و تأسیسی نیست. او معتقد است اسلام دین عقلاست و مسائل عقلایی را امضا می‌کند، مگر جایی که احساس کند انحرافی پیش آمده که در آن صورت، جلوی آن را می‌گیرد. او همچنین استدلال می‌کند در جایی که احکام اسلام تأسیسی است، باید دنبال شریعت باشیم و از آن تجاوز نکنیم. اما در مسائل عقلایی که اسلام مؤسس آن نیست، بلکه حکم عقلایی را امضا کرده و پذیرفته است، فقه باید به سایر عقلا نیز رجوع کند و نظر آن‌ها را جویا شود (همان، ۷). او همچنین معتقد است کسی که در جامعه حاکم است، باید هم از جانب مردم و هم عقلا پذیرفته شده باشد و این دو مولد قدرت هستند. برای مثال، حضرت علی^(ع) طبق آیه شریفه قرآن به امامت منصوب شده بود، اما چون بیعت مردم را نداشت، فاقد قدرت بود؛ پس حکومت بدون قدرت معنا ندارد. از دیدگاه موسوی بجنوردی، حاکمیت مفهومی عقلایی و عرفی است؛ پس در دنیای امروز و بنای عقلا، شخصی که مورد پذیرش مردم باشد، قدرت پیدا می‌کند و مشروعیت عقلایی دارد. اما اگر خداوند شرایطی را مشخص کرده باشد و مردم شخصی را انتخاب کنند که فاقد آن شرایط باشد، این شخص مشروعیت عقلایی دارد؛ اما فاقد مشروعیت الهی است (همان، ۸).

۳-۴. نقش مشارکت سیاسی در مشروعیت حکومت اسلامی

یکی دیگر از مبانی اصلی‌ای که تولیدکنندگان این گفتمان درباره آن بحث و بررسی می‌کنند، نقش مشارکت مردم در امور سیاسی و مشروعیت‌بخشی آن‌ها به حکومت اسلامی است. به اعتقاد موسوی بجنوردی، مفهوم مشارکت سیاسی این است که مردم در امور کلی جامعه، سیاست، حکومت و مدیریت نظام سیاسی نقش مستقیم داشته باشند و این در مورد شکل نظام حکومتی تفاوتی نمی‌کند. به نظر او، اصل مهم و اساسی این است که در مدیریت و تصمیم‌گیری‌های امور جامعه، در همه ابعاد ملت نقش مؤثر، حضور فعال و دخالت مستقیم داشته باشند (بجنوردی، ۱۳۸۰: ۴۵۷).

بجنوردی در ادامه، رابطه مشارکت سیاسی مردم و نقش تأثیرگذار آن را در مشروعیت حکومت اسلامی بررسی می‌کند. به نظر او، بحث اساسی در تفکر سیاسی اسلام این است: شکل و نظام خاصی از حکومت وجود دارد یا نه؟ او به این سؤال دو گونه پاسخ می‌دهد: پاسخ اول این است که در تفکر سیاسی اسلام، شکل و نظام خاصی از حکومت وجود ندارد؛ اما اسلام دارای مجموعه‌ای از قوانین و مقررات سیاسی و اجتماعی است که باید در جامعه اجرا شود و مهم نیست که شکل حکومت جمهوری یا سلطنتی یا مشروطه و یا غیره باشد. آنچه در اسلام مهم است، اجرا شدن احکام و قوانین اسلامی در تمام ابعاد فردی، اجتماعی، حقوقی، جزایی و... است (همان، ۴۵۷-۴۵۸). پاسخ دوم نیز این است که اسلام دارای نظام حکومتی است؛ زیرا حکومت را جزء احکام اولیه می‌داند و تشکیل حکومت را نیز چون احکام دیگر (نماز، روزه، حج و...) واجب می‌شمارد؛ در نتیجه تشکیل حکومت نیز واجب می‌شود. به اعتقاد وی، در اسلام و نظام اسلامی هیچ‌گاه فرد حاکمیت ندارد و فقط قانون حاکم است. چون در اسلام قانون‌گذاری فقط به ذات باری تعالی اختصاص دارد؛ پس آن کسی که در جامعه حاکم است، خداوند تعالی است. همه افراد، از شخص اول امکان حضرت رسول (ص) تا افراد عادی، همه مجریان قانون در جامعه اسلامی هستند؛ یعنی افراد حکومت نمی‌کنند، بلکه قانون حاکم است و این‌ها فقط مجریان قانون یعنی اوامر خداوند هستند (همان، ۴۸۵). بجنوردی بر آن است که این حدیث پیامبر (ص): «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كَلَّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ»

گفتمان اصلاح‌طلبی اسلامی در ایران پس از ... علی محمد حاضری و همکاران

بیانگر بزرگ‌ترین مشارکت سیاسی مردم در امور اجتماعی است و به آنان اعلام می‌کند که باید در نظام و حکومت مشارکت فعال داشته باشند.

موسوی بجنوردی مباحثی را که مسئله فقهی - حقوقی روز است، بسیار مورد توجه قرار داده و نظریاتی را در این باب بیان کرده است. یکی از این مباحث، مسئله ترور و تروریسم از دیدگاه اسلام است. از دیدگاه او، هنوز تعریف جامعی از تروریسم ارائه نشده است تا بتوان به درستی آن را با مفاهیم موجود در فقه تطبیق داد. او می‌گوید در فقه مفاهیمی همچون اغتیال، فتک و محاربه هست که تاحدودی - نه کاملاً - مترادف معنای ترور است و اسلام و قرآن مخالف این‌گونه اعمال و افعال ناپسند است (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۷: ۸/۱۲). او با مقایسه مفاهیم ذکر شده با مفهوم ترور و تروریسم، به این نتیجه می‌رسد که اسلام با تروریسم مخالف است و برای اثبات آن به قرآن و آیات رجوع می‌کند. به نظر بجنوردی، از اصول مسلم در اسلام، حفظ صلح و امنیت است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «الْصُّلْحُ خَيْرٌ» (نساء، ۱۲۸). بنابراین هر کسی با صلح و سازش مخالف باشد، از نظر اسلام محکوم است و این مخالفت با هر عنوانی (چه به صورت فتک باشد یا محاربه یا اغتیال) صورت بگیرد، تفاوتی نمی‌کند (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۷: ۸/۱۶). بجنوردی علاوه بر محکومیت تروریسم از دیدگاه اسلام، این عمل را بر اساس حکم عقلی نیز محکوم می‌کند. به اعتقاد او، همه افعال انسان‌ها دارای ارزش‌های ذاتی است؛ به این معنا که به حسن و قبح عقلی در افعال معتقدیم و احکام شریعت و قانون بر مبنای پیروی از ارزش‌های ذاتی تشریح می‌شود. پس، هر آنچه را که عقلا و فرهیختگان جوامع بشری نیکو پندارند، شریعت نیز آن را واجب می‌داند و هر آنچه را عقلا ناپسند پندارند، شریعت نیز آن را حرام می‌شمارد (همان، ۱۸). او در ادامه چنین بیان می‌کند:

اما مدعی هستیم که هیچ‌گونه تضادی بین احکام شریعت و احکام عقلی وجود ندارد. بر همین اساس، حکم عقل و احکام عقلی نقش اساسی در وضع قوانین اسلام دارند. بنابراین نباید جامعه عقلا را از جامعه دین و مذهب جدا کرد. دین و مذهب ما عین عقلانیت است (همان، ۱۸).

سرانجام بجنوردی استدلال می‌کند که با توجه به اینکه مسئله ترور و تروریسم نزد عقلای تمام جوامع ناپسند است، پس در دین اسلام نیز زشت و مردود شمرده می‌شود (همان‌جا).

۴-۳-۴. تثبیت قانون اساسی

یکی دیگر از پیام‌های این گفتمان که از دوم خرداد ۱۳۷۶ به بعد مطرح شد، تثبیت قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران یا نهادینه کردن آن و احیای اصولی بود که به گفته آن‌ها، مورد توجه واقع نشده بودند. بر اساس قانون جمهوری اسلامی، نباید سلیقه‌ای و یا بر پایه سلاقی خاصی به قانون نگاه شود. همه افراد باید به پیروی از قانون و اجرای آن پای‌بند باشند. اصلاح‌طلبان معتقد بودند باید دستگاه‌های ناکارآمد اصلاح شوند و متخلفان از قوانین نیز معرفی و بازپروری شوند. حد و مرزهای قانونی در تمام موارد حفظ شود و مهم‌تر از همه، قانون و قانون اساسی باید در همه امور مورد توجه قرار گیرد. سیدمحمد خاتمی در سخنرانی‌ای در همایش رؤسای دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی کشور چنین بیان می‌کند:

... مبنای عمل در جامعه ما قانون اساسی است که خوشبختانه، انقلاب اسلامی ما هنوز یک سال از عمرش نگذشته بود که صاحب قانون اساسی شد و من فکر می‌کنم که راهی برای پیشرفت، آرامش، امنیت، حرمت انسان و برای استفاده از نیروها و امکانات و به‌کارگیری آن‌ها نیست، جز آنکه جامعه ما تن به قانون و قانون اساسی بدهد (۱۳۷۶/۱۲/۵).

خاتمی پس از انتخابات ریاست جمهوری دوم خرداد، با توجه به اصل ۱۱۳ قانون اساسی، هیئت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی را تشکیل داد. آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار با اعضای این هیئت، با ابراز نظر مثبت به تشکیل این هیئت فرمودند: «با توجه به وظایف مصوبه ریاست جمهوری در قانون اساسی انجام این مسئولیت خطیر [نظارت بر اجرای قانون اساسی] از هیچ شخصیتی جز مقام ریاست جمهوری بر نمی‌آید.» (تاج‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۷۷). ایشان برای انجام این وظیفه حساس، یافتن راهکارهای قانونی برای «ضمانت اجرا پیدا کردن»، تذکر و اخطار ریاست جمهوری را ضروری خواند.

خاتمی در پی نامه‌نگاری با رئیس قوه قضاییه، تعیین هیئت مشترکی را برای رسیدگی به برخی شکایات پیشنهاد داد. اما رئیس قوه قضاییه در پاسخ، اصل مسئولیت رئیس جمهور را در نظارت بر اجرای قانون اساسی رد و اعلام کرد که ایشان حق تذکر به قوه قضاییه را ندارد. پس

گفتمان اصلاح‌طلبی اسلامی در ایران پس از ... علی محمد حاضری و همکاران

از آن، خاتمی لایحه تبیین اختیارات ریاست جمهوری را به مجلس تقدیم کرد و با تأکید بر اینکه اختیاراتی فراتر از آنچه قانون اساسی به عهده وی نهاده است نمی‌خواهد، ابراز امیدواری کرد که این لایحه پس از تصویب نمایندگان به تأیید شورای نگهبان برسد. اما لوایح دوگانه رد شد (همان، ۱۷۸).

۴-۴. چگونه سخن می‌گویند؟

چگونگی سخن گفتن در گفتمان «اصلاح‌طلبی اسلامی» را از راه ابزاری که این اشخاص و روحانیان جهت سخن گفتن از آن‌ها بهره می‌گرفته‌اند و همچنین شیوه استدلال آن‌ها می‌توان شناخت.

۴-۴-۱. انتشار نشریات

یکی از ابزارهای تولیدکنندگان این گفتمان برای رساندن پیام خود به مخاطبان، مطبوعات و انتشار مجلات و روزنامه‌ها و کتاب بوده است. مطبوعات رکن اساسی توسعه سیاسی و جامعه مدنی است و از آن به رکن چهارم دموکراسی یاد می‌شود. اطلاع‌رسانی، بیان صادقانه خواسته‌ها و مطالبات مردمی، نقدهای سازنده و راهکارهای مفید از کارکردهای مثبت جامعه مطبوعاتی توسعه‌یافته است (امیری، ۱۳۸۶: ۱۸۹). از مجلات و روزنامه‌هایی که اغلب مورد استفاده گفتمان اصلاح‌طلبی اسلامی بوده است می‌توان به این موارد اشاره کرد: روزنامه *سلام*، *جامعه*، *توس*، *خرداد*، *صبح امروز*، *آفتاب امروز*، *نشاط*، *مشارکت*، *عصر آزادگان* و *بهار*، *دوران امروز*، *نوسازی*، *بنیان* و *آیین جنوب*. این روزنامه‌ها در تیراژ بالایی چاپ می‌شدند. در ادامه به برخی از این نشریات اشاره می‌کنیم.

• روزنامه *سلام*

روزنامه *سلام* اولین روزنامه منتقد جدی پس از رحلت بنیان‌گذار فقید انقلاب امام خمینی (ره) بود. این روزنامه در ۲۰ بهمن ۱۳۶۹ با انتشار اولین پیش‌شماره آغاز به کار کرد و در ۱۵ تیر ۱۳۷۸ برای پنج سال توقیف شد. مدیر مسئول آن سیدمحمد موسوی خوئینی‌ها و سردبیرش

عباس عبدی بود. نخستین اعضای شورای سردبیری روزنامه سلام که در پیش شماره‌های اولیه تعیین شدند، سید عبدالواحد موسوی لاری، ابراهیم اصغرزاده و عباس عبدی بودند (ازغنده‌پور، ۱۳۷۹).

به ادعای مسئولان روزنامه، بخشی از کار آن، فرهنگ‌سازی در جامعه و نیز در میان نخبگان می‌پرداخت. غالب شعارهای دوم خرداد مثل حاکمیت قانون، جامعه مدنی، پاسداشت آزادی، حقوق شهروندی و تکریم انسان شعارهایی بودند که سلام سال‌ها برای ترویج آن‌ها در جامعه بی‌وقفه تلاش کرده بود. طبق نظرسنجی‌های روزنامه، اکثر خریداران آن را افرادی با تحصیلات بالاتر از لیسانس تشکیل می‌دادند (ازغنده‌پور، ۱۳۸۵/۴/۱۶). این روزنامه در ۱۵ تیر ۱۳۷۸ از سوی دادگاه ویژه روحانیت به مدت پنج سال توقیف شد. نمایندگان مجلس پنجم در ماه‌های پایانی عمر مجلس، مهم‌ترین تلاششان را در مواجهه با مطبوعات سازمان دادند و طرح قانون محدودکننده‌ای را ارائه کردند که جنجال وسیعی را دامن زد (کاشی، ۱۳۷۹: ۱۲۰-۱۲۴).

• روزنامه جامعه

روزنامه جامعه اولین روزنامه اصلاح طلب است که بعد از آغاز ریاست جمهوری سیدمحمد خاتمی در بهمن ۱۳۷۶ اولین شماره آن به چاپ رسید. این روزنامه به مدیر مسئولی حمیدرضا جلالی‌پور و سردبیری ماشاءالله شمس‌الواعظین از کادر ماهنامه کیان آغاز به کار کرد. اولین شماره این نشریه با تیتر بزرگ «سلام جامعه» آغاز شد. در این شماره جلالی‌پور درباره چرایی انتخاب عنوان جامعه برای روزنامه توضیحاتی داد و گفت این روزنامه واسطه بین قشر متوسط و تحصیل کرده با نظام است. او سرانجام به این مطلب اشاره کرد که روزنامه جامعه قصد دارد مسائل اصلی جامعه را ضمن اعتقاد به تکثرنگری فرهنگی و سیاسی، به نحوی صادقانه توصیف و تفسیر کند؛ ضمن اینکه در این توصیف اولویت را به بازتاب مسائل و رویدادهای بخش خودسامان جامعه (یا نهادهای جامعه مدنی) ایران اختصاص دهد (جلالی‌پور، ۱۳۷۸: ۵۰-۵۴). از مهم‌ترین تیترهای این روزنامه، می‌توان به این موارد اشاره کرد: جامعه و کاست حکومتی (آیا گردش نخبگان

گفتمان اصلاح‌طلبی اسلامی در ایران پس از ... علی‌محمد حاضری و همکاران

پس از رویداد دوم خرداد رخ داده است؟) (۱۳۷۶/۱۱/۲۹) [۳]؛ جامعه مدنی و رأی سنت و مدرنیته (۱۳۷۶/۱۲/۱۲)؛ جامعه و نون و گلدون (از خشونت انقلاب تا محبت انسانی) (۱۳۷۶/۱۲/۲۳) [۴]؛ جامعه و اقوام ایرانی (تأکید بر راهبرد کثرت‌گرایی فرهنگی - قومی) (۱۳۷۷/۱/۱۶)؛ کارکردهای کوتاه‌مدت بازداشت شهردار تهران برای مخالفان دولت خاتمی (۱۳۷۷/۱/۲۰) [۵]؛ شهادت‌طلبی با منطق کور (۱۳۷۷/۲/۱۲) [۶]؛ جامعه و رجال سیاسی (همزیستی انتقادی یا آناشیسیم؟) (۱۳۷۷/۲/۱۹)؛ انقلاب اسلامی و دوم خرداد (حامی انقلاب، حامی دوم خرداد) (۱۳۷۷/۳/۲).

• روزنامه توس

پس از تعطیلی روزنامه جامعه و توقف انتشار آن، حمیدرضا جلائی‌پور، محسن سازگارا و ماشاءالله شمس‌الواعظین به همراه هیئت تحریریه آن، توس را که قبلاً به صورت هفته‌نامه منتشر می‌شد، به صورت روزانه و سراسری انتشار دادند. حمیدرضا جلائی‌پور در این باره می‌گوید: «فردای آن روز [لغو امتیاز روزنامه جامعه]، بدون معطلی، با همان کادر و با همان رویکرد، روزنامه توس منتشر شد و به همان تیراژ رسید.» (همان‌جا).

روزنامه توس در شماره اول خود تیتربزرگ «توس به جای جامعه» را چاپ کرد. انتشار این روزنامه مدت زیادی طول نکشید و پس از ۴۵ شماره توقیف شد.

• روزنامه نشاط

نشاط روزنامه‌ای اصلاح‌طلب بود که در سال ۱۳۷۷ و پس از توقیف روزنامه‌های جامعه و توس به مدیریت لطیف صفری و سردبیری ماشاءالله شمس‌الواعظین در اول اسفند ۷۷ منتشر شد.

در جدول زیر روزنامه‌ها و نشریات حامل پیام گفتمان اصلاح‌طلبی به صورت عام و اصلاح‌طلبی اسلامی به صورت خاص پس از انقلاب (به‌ویژه دهه هفتاد) آمده است [۷]:

نام نشریه	صاحب امتیاز و مدیر مسئول	سردبیر یا اعضای شورای سردبیری	نویسندگان شاخص	شمارگان	مدت فعالیت
۱. روزنامه سلام	سیدمحمد موسوی خوثینی‌ها	سید عبدالواحد موسوی لاری، ابراهیم اصغرزاده و عباس عبدی	ابراهیم اصغرزاده، وفا تابش، سیدمحمد رضوی یزدی، عباس عبدی، بهروز صحابه، مسعود مظفری، محمدمهدی حیدریان، سید محمود حسینی، اکبر اعلمی، محمد ابراهیمی انصاری لاری، عیسی ولایی و میرعلی نگارنده	بیش از ۲۰۰/۰۰۰	۹ سال
۲. روزنامه جامعه، بعد به نام توس، بعد به نام نشاط، بعد به نام عصر آزادگان	حمیدرضا جلالی‌پور، محمد صادق جوادی حصار، لطیف صفری، غفور گرشاسبی و خانم محمدی	ماشاءالله شمس الواعظین و شورای سیاست‌گذاری (جلالی‌پور، باقی، مردیها، مظفر، سحرخیز، ولی‌بیگ)	حمیدرضا جلالی‌پور، سید مرتضی مردیها، مجید محمدی، محمد قوچانی، ناصر ایرانی، حمید وحید دستگردی، ابراهیم یزدی و علیرضا رجایی	بیش از ۲۰۰/۰۰۰	۲/۵ سال
۳. صبح امروز	سعید حجاریان	احمد ستاری، رضا تهرانی، علیرضا علوی‌تبار، محسن آرمین، رضا عرب سرخی و عبدالعلی رضایی	عباس عبدی، علیرضا علوی‌تبار و شادی صدر	بیش از ۲۰۰/۰۰۰	۲ سال
۴. روزنامه مشارکت [۸]	محمد رضا خاتمی	عباس عبدی، محمدرضا خاتمی، محسن میردامادی و کریم ازغنده‌پور	عباس عبدی و سید محمدعلی ابطحی	کمتر از ۱۰۰/۰۰۰	۴ ماه
۵. روزنامه نوروژ	میردامادی	شورای سردبیری مشارکت	عباس عبدی و دیگران	بیش از ۱۰۰/۰۰۰	بیش از یک سال
۶. بیان	سید علی‌اکبر محتشمی	سیدمحمد ناصری	سید علی‌اکبر محتشمی	بیش از ۲۰۰/۰۰۰	۶ ماه

گفتمان اصلاح‌طلبی اسلامی در ایران پس از ... علی محمد حاضری و همکاران

نام نشریه	صاحب امتیاز و مدیر مسئول	سردبیر یا اعضای شورای سردبیری	نویسندگان شاخص	شمارگان	مدت فعالیت
۷. نوسازی	حمیدرضا جلالی‌پور	شورای سردبیری صبح امروز و جامعه	علیرضا علوی‌تبار، حمیدرضا جلالی‌پور و دیگران	بیش از ۱۵۰/۰۰۰	یک هفته
۸. روزنامه شرق [۹]	مهدی رحمانیان و محمد قوچانی	محمد قوچانی	محمد قوچانی، احمد زیدآبادی، رضا نجسته رحیمی و دیگران		بیش از ۴ سال
۹. فصلنامه متین	پژوهشگرده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی	سیدمحمد موسوی بجنوردی	سیدمحمد موسوی بجنوردی، فاطمه طباطبایی، عباسعلی روحانی، علی محمد حاضری، صادق آئینه‌وند، محسن بهشتی سرشت و دیگران	_____	در حال انتشار
۱۰. پیام هاجر [۱۰]	اعظم طالقانی	مهدی غنی	_____	حدود ۲۰/۰۰۰	بیش از یک دهه
۱۱. شهروند امروز [۱۱]	شرکت پیوند سلیم	محمد قوچانی، محمد عطریانفر، اکبر منتجبی	محمد قوچانی، محمد طاهری، محمد رهبر، مریم باقی، محسن آزر، رضا نجسته رحیمی و دیگران	حدود ۵۰/۰۰۰	بیش از یک سال
۱۲. ماهنامه آیین	سید محمدرضا خاتمی	هادی خانیکی، سیدحمید سیدی	محمد رضا خاتمی، سعید حجاریان، سیدمحمد خاتمی، حمیدرضا جلالی‌پور، تاج‌زاده، سروش دیاغ، رضا علیخانی و دیگران	_____	در حال انتشار

بسیاری از این نشریات و روزنامه‌ها توقیف شد؛ اما تولیدکنندگان این گفتمان سعی کردند از طریق رسانه‌های نوشتاری چه قبل از دوم خرداد ۱۳۷۶- به‌ویژه روزنامه **سلام**- و چه پس از آن، با مخاطبان خود ارتباط برقرار کنند.

۲-۴. حزب مشارکت

در کنار مطبوعات که از آن به رکن چهارم دموکراسی و جامعه مدنی در دوره اصلاحات یاد می‌شد، می‌توان از حزب مشارکت اسلامی نیز به‌عنوان یکی دیگر از ابزارهای مهم گفتمان اصلاح‌طلبی نام برد. مواضع و دیدگاه‌های شخصیت‌های اصلاح‌طلب اسلامی با فعالیت‌های

حزبی بسط و انتشار می‌یافت. پس از انتخابات ۷۶، خاتمی قول داده بود احزاب آزادانه فعالیت کنند که حزب مشارکت یکی از آنها بود (جلایی‌پور، ۱۳۸۱: ۲۲۹). در مرام‌نامه جبهه مشارکت چندین اصول مورد تأکید قرار گرفته و از آن به اهداف حزب مشارکت نام برده می‌شود.

جبهه مشارکت ایران اسلامی که در پاسخ‌گویی به وظیفه مبرم هر ایرانی در این مرحله از انقلاب اسلامی موجودیت می‌یابد، دیدگاه‌ها و مواضع زیر را مرام و مبنای فعالیت خود قرار داده و امیدوار است که بتواند با عمل به آموزه‌های دینی و رعایت معیارهای قانونی و براساس موازین شناخته‌شده اجتماعی و سیاسی، گام مؤثری در راه اعتلای میهن اسلامی بردارد و در حد توان خود در تحقق سه اصل آزادی در بیان، منطق در گفت‌وگو و قانون در رفتار اجتماعی گام بردارد (سایت جبهه مشارکت).

از دیدگاه‌ها و مواضع این حزب می‌توان به این اصول اشاره کرد: تأکید بر دیانت و معنویت؛ عدالت‌گستری و تبعیض‌زدایی؛ فضیلت مجاهدت؛ حرمت انسان و حقوق و آزادی‌های قانونی؛ استقلال کشور و اقتدار ملت؛ حاکمیت قانون و امنیت اجتماعی؛ وحدت اسلامی و وفاق ملی؛ سازندگی و توسعه پایدار همه‌جانبه؛ مشارکت و رقابت؛ خردمندی و حکمت؛ منزلت جهانی؛ نظام مقتدر، خدمت‌گزار و پاسخ‌گو (همان‌جا). با توجه به این اهداف می‌توان گفت، جبهه مشارکت درصدد تحقق بخشیدن به آرمان‌هایی است که پس از دوم خرداد ۷۶ شکل گرفته بود.

۴-۵. مخاطبان این گفتمان چه کسانی هستند؟

تولیدکنندگان گفتمان اصلاح‌طلبی اسلامی در درجه اول مهم‌ترین مخاطبان خود را تمام آحاد ملت ایران از جمله مردان، زنان، جوانان، دانشجویان و حوزویان می‌دانند. برای نمونه، سیدمحمد خاتمی در اولین سالگرد دوم خرداد ۱۳۷۶ در دانشگاه تهران در تشریح اهمیت نقش تمام طبقات به‌ویژه تحصیل‌کرده در موفقیت دوم خرداد چنین بیان می‌کند:

... ما می‌دانیم علاوه بر نقشی که طبقات و گروه‌های مختلف در آفرینش دوم خرداد داشتند اگر نگوییم نقش اول، دست‌کم نقش ممتاز شورانگیز شدن دوم خرداد را دانشگاهیان ما، فرهیختگان ما، تحصیل‌کرده‌های ما، حوزویان عزیز ما به‌خصوص جوانان روشنفکر

گفتمان اصلاح‌طلبی اسلامی در ایران پس از ... علی محمد حاضری و همکاران

حوزوی ما، معلمان ما، هنرمندان ما و به طور کلی نسل دانشگاه‌دیده و دانشگاهی ما داشت
(کلام رئیس جمهور، ۱۳۷۷: ۴).

خاتمی در نظام جمهوری اسلامی، مردم را مخاطب دولت می‌داند. او معتقد است دولت برخاسته از خواست و اراده مردم است و رسالتش هم خدمت به مردم در چارچوب قانون و ضابطه مشخص است (خاتمی، ۱۳۷۹: ۲۲). گفتمان اصلاح‌طلبی اسلامی خود را برخاسته از اراده و خواست ملت ایران می‌شمارد و به همین سبب مخاطبان خود را تمام گروه‌های جامعه می‌داند. برای مثال، خاتمی در تحلیل دوم خرداد چنین می‌گوید: «درباره دوم خرداد... تحلیل‌های گوناگون خوب است به شرط اینکه صاحب اصلی آن یعنی خود مردم مورد غفلت قرار نگیرند. مردمی که نه تنها صاحب دوم خرداد هستند، بلکه صاحب کشورند، صاحب انقلاب‌اند.» (کلام رئیس جمهور، ۱۳۷۷: ۵).

برخی از گروه‌های سنی در مطرح شدن گفتمان اصلاح‌طلبی نقش بارزی ایفا کردند. از مهم‌ترین این گروه‌ها می‌توان به نسل جوان و تحصیل‌کرده‌ای اشاره کرد که پس از پیروزی انقلاب اسلامی و به دلیل وجود شرایط خاص حاکم بر جامعه، اقبال بیشتری به گفتمان اصلاح‌طلبی اسلامی نشان دادند. موفقیت گفتمان اصلاح‌طلبی دینی در جذب جوانان تحصیل‌کرده در دوم خرداد ۱۳۷۶ به خوبی مشاهده می‌شود. هیچ فرد یا گروهی پیش از انتخابات، نمی‌توانست حدس بزند که در روز دوم خرداد حدود ۱۴ میلیون جوان (۱۵ تا ۲۵ سال) به صحنه خواهند آمد و به خاتمی رأی خواهند داد (جلایی‌پور، ۱۳۸۱: ۲۴۴). این موفقیت زمینه‌ای شد برای شکل‌گیری تدریجی جنبشی اجتماعی و اصلاحی که جهت‌گیری اصلی‌اش مردم‌سالاری و توسعه سیاسی بود. در این میان می‌توان از نقش بسیار تأثیرگذار روزنامه *سلام* پیش از دوم خرداد یاد کرد. این روزنامه توانست در میان انبوه رسانه‌های گفتمان رقیب، نقش بسزایی ایفا کند و جوانان و گروه‌های تحصیل‌کرده را به سوی اندیشه اصلاح‌طلبی اسلامی جذب کند.

از مخاطبان دیگر این گفتمان می‌توان به زنان و دختران تحصیل‌کرده‌ای اشاره کرد که در طول سال‌های پس از انقلاب چندان در کانون توجه نبودند. اما گفتمان اصلاح‌طلبی توانست این بخش عظیم جامعه را به سوی خود جذب کند. سیدمحمد خاتمی درباره نقش زنان

به‌عنوان نیمی از جامعه ایران که در پیروزی انقلاب اسلامی نیز نقش تعیین‌کننده‌ای داشتند، چنین بیان می‌کند:

نقش زنان در عرصه انقلاب و در متن جامعه ما نقش بارزی است اما هنوز از آن همه توانایی‌ها و شایستگی‌هایی که زنان ارجمند ما دارند، استفاده کافی نشده است... وضعیت زنان ایرانی در مقایسه با گذشته و همچنین در مقایسه با بسیاری از کشورهای اسلامی و غیراسلامی بهبود قابل توجهی داشته است؛ اما هنوز تا نقطه مطلوب فاصله بسیار زیادی وجود دارد (۱۳۷۹: ۲۵).

او در ادامه درباره اعتماد به زنان در عرصه سیاسی و اجتماعی و منصب‌های مدیریتی چنین می‌گوید:

زنان ارجمند ما در عرصه‌های کارمندی، کارگری، علمی و مدیریتی واقعاً توان خود را نشان داده‌اند و انشالله باید زمینه‌ای فراهم شود که از بخش نهفته این نیرو نیز استفاده شود. کار زنان بسیار بیشتر از مردان است؛ ... زیرا در عین حال که پا به پای مردان باید خدمت اجتماعی بکنند، محور خانه هستند که نقش مهمی است... ما باید در جریان عمل مشکلات را از پیش پا برداریم؛ یعنی زمینه‌ای فراهم کنیم که هیچ لطمه‌ای به حضور سیاسی و اجتماعی زنان در جامعه نخورد (همان، ۲۵-۲۶).

تمام این‌ها توجه گفتمان اصلاح‌طلبی را به بخش‌هایی از جامعه نشان می‌دهد که کمتر در کانون توجه قرار داشتند و نیز تلاش برای ایجاد پویایی و نشاط در بین تمام بخش‌های جامعه به‌ویژه جوانان و تحصیل‌کردگان (مردان و زنان) است. از مخاطبان دیگر این گفتمان می‌توان به استادان دانشگاهی، جامعه فرهنگیان (معلمان)، کارگران و... اشاره کرد.

۶-۴. چه کنشی را پیشنهاد می‌کنند؟

در گفتمان اصلاح‌طلبی اسلامی، تولیدکنندگان آن به منظور اصلاح جامعه، برقراری ثبات و امنیت در آن و ارتقای وجهه ایران در سرتاسر دنیا و نیز در بعد داخلی با هدف ایجاد جامعه مدنی همراه با توسعه سیاسی، کنش‌های زیر را پیشنهاد می‌کنند:

گفتمان اصلاح‌طلبی اسلامی در ایران پس از ... علی محمد حاضری و همکاران

• پای‌بندی به نظام اسلامی و رعایت حقوق دیگران

سیدمحمد خاتمی در سخنرانی‌ای در جمع دانشجویان و جوانان به مناسبت سالگرد دوم خرداد ۱۳۷۶، یکی از دستاوردهای گفتمان اصلاح‌طلبی اسلامی را ارتقای وجهه بین‌المللی جمهوری اسلامی می‌داند. به اعتقاد او، این دستاورد مهم در سایه پای‌بندی به نظام اسلامی و شعارهای انقلاب امکان‌پذیرتر است:

امروز بیش از هر زمان دیگر نظام شما، جمهوری اسلامی شما و کشور شما در عرصه بین‌المللی دارای جاهت و احترام است... امروز نگاه به ایران نگاه به کشور، نظام و مردمی است که نه تنها برای ایرانی حرفی برای گفتن دارند و نه تنها برای جهان اسلام حرف تازه برای گفتن دارند که برای دنیای قرن بعد هم حرف‌ها و پیام‌های تازه‌ای دارند (کلام رئیس‌جمهور، ۱۳۷۷: ۱۷).

خاتمی در مراسم تحلیف خود در مجلس شورای اسلامی وظیفه خود و ملت ایران را چنین توصیف می‌کند:

تلاش برای پاسداری از این نظام و افزودن بر اعتبار، اقتدار و ارتقای زندگی مادی و معنوی مردم رشید ایران مسؤلیتی مهم برای همه کسانی است که به ایران و انقلاب دل بسته‌اند. مردم شریف ایران در پرتو حضور و مشارکت عظیم و آگاهانه خویش در هفتمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، حماسه‌ای تاریخی آفرید و اعتماد و اعتباری بزرگ را به نظام مقبول خود ارزانی داشت. اکنون قوه مجریه منتخب مردم، در کنار قوای دیگر وظایف سنگینی در انجام این مسؤلیت و پاسخ‌گویی به این انتخاب و انتظار مردمی دارد. رئیس این وظایف در قانون اساسی آمده است؛ قانونی که پیمان یگانگی اسلامی و ملی و سند وفاداری به انقلاب اسلامی و آرمان‌های والای حضرت امام خمینی^(ره) خون‌بهای شهیدان بزرگوار از جمله شهدای گران‌قدر دولت رجایی و باهنر و مرجع اختیارات و مسؤلیت‌های دولت حقوق و تکالیف شهروندان است (۷۶/۵/۱۳).

او همچنین در سخنرانی خود در مراسم رژه نیروهای مسلح، خطاب به آن‌ها چنین بیان می‌کند: «نیروهای مسلح باید به‌عنوان نیروی ملی، نیرویی که همه توان خویش را از همه ملت می‌گیرد و هدف او هدف نهایی ملت است یعنی حفظ استقلال و سربلندی میهن اسلامی و کشور عزیز ایران است، باقی بماند.» (خاتمی، ۷۶/۶/۲۹). خاتمی در جای دیگری اظهار می‌کند

نظام ما به قرآن و اسلام متکی است و این دو می‌خواهند انسان در پناه آن‌ها احساس امنیت کند. به اعتقاد او، نظریه ولایت فقیه که برخاسته از اندیشه امام^(ره) است، فقط اندیشه‌ای فقهی نیست؛ بلکه به صورت یک نظام درآمده است. او استدلال می‌کند ما باید بکوشیم تا احساس تعلق به نظام تقویت شود و قانونی نهادینه شود که محور آن ولایت فقیه است (روزنامه سلام، ۱۳۷۵/۱۲/۵).

نمایندگان گفتمان اصلاح‌طلبی اسلامی در سخنرانی‌های مختلف و متعددی در جمع گروه‌ها و احاد ملت ایران، آن‌ها را به رعایت موازین اسلامی و حقوق دیگران دعوت می‌کنند. آن‌ها همچنین هدف گفتمان اصلاح‌طلبی اسلامی را نه چالش با نظام اسلامی، بلکه حفظ و تدوام آن می‌دانند.

• پیروی از قانون اساسی

یکی دیگر از کنش‌هایی که اصلاح‌طلبان به مخاطبان خود پیشنهاد می‌کنند، پیروی از قانون اساسی است. نمایندگان اصلی گفتمان اصلاح‌طلبی بارها در پیام‌ها و سخنرانی‌هایشان به مخاطبان خود توصیه کرده‌اند که در چارچوب قانون اساسی رفتار کنند. سیدمحمد خاتمی در بیانات خود بعد از دوران ریاست جمهوری نیز تأکید می‌کند خواسته‌های گفتمان اصلاح‌طلبی در چارچوب نظام اسلامی و بر مبنای قانون اساسی است.

ما بارها گفته‌ایم در مجموعه همین نظام مشغول فعالیت هستیم و قانون اساسی و رهبری را قبول داریم و باید متوجه دغدغه‌هایی باشیم که در بخش‌های دیگر به خصوص نزد رهبری وجود دارد. البته اختلاف نظرات را همواره با تعامل، تشخیص اولویت‌ها و همیاری با سایر قوا می‌شود حل کرد (یاری نیوز، ۱۳۸۷/۱۱/۲۶).

از کنش‌های دیگری که نمایندگان گفتمان اصلاح‌طلبی اسلامی به مخاطبان خود توصیه می‌کنند، اعتلای فرهنگ ایران‌زمین، تلاش در جهت آبادانی و پیشرفت ایران و... است. خاتمی در پیامی به یکی از مهم‌ترین مخاطبان گفتمان اصلاح‌طلبی، یعنی جوانان می‌گوید:

دوستان من، امیدهای این سرزمین همیشه دوست‌داشتنی، شایسته است شما سرنوشت میهن خود را به‌دست بگیرید و ایران را به جایگاه شایسته‌اش در جهان اعتلا بخشید و از هم اکنون برای این کار بزرگ و به‌لحاظ اعتقادی و علمی و اخلاقی خود را آماده کنید (۷۸/۱۲/۹).

نتیجه‌گیری

گفتمان اصلاح‌طلبی اسلامی پس از پیروزی انقلاب، به‌ویژه با پیروزی سیدمحمد خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری دوم خرداد ۱۳۷۶ به صورت گسترده‌تر مورد توجه قرار گرفت. این گفتمان در باب مفاهیمی چون جامعه مدنی، دموکراسی دینی، آزادی بیان، حقوق بشر، عدالت اجتماعی، تثبیت قانون اسلامی و... که در طول سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی کمتر به آن‌ها توجه شده بود، دوباره مطرح شد و فضای جدیدی را در جامعه ایران به‌وجود آورد. از این زمان به بعد با گشایشی که در فضای رسانه‌ای و سیاسی کشور پدید آمد، بسیاری از اهل قلم و روشنفکران درباره موضوعات جدید مقاله و رساله نوشتند. این دسته از اندیشمندان معتقد بودند داخل همین نظام و در چارچوب آن می‌توان اصلاحات مورد نظر را انجام داد. نمایندگان و طرفداران گفتمان اصلاح‌طلبی اسلامی با ابزارهای مختلفی همچون نشریات و روزنامه‌ها، تریبون‌های رسمی کشور همانند سخنرانی در همایش‌ها، گردهمایی‌ها و احزاب و ارگان‌های نوپا همچون حزب مشارکت، با مخاطبان خود در ارتباط بودند و پیام خود را به گوش آن‌ها می‌رساندند.

بررسی گفتمان اصلاح‌طلبی اسلامی به ما کمک می‌کند بصیرت‌هایی را درباره ماهیت «گفتمان دینی» در ایران امروز به‌دست آوریم:

۱. گفتمان یادشده در شیوه نگاه خود به دین و دنیای مدرن، دل‌مشغول مسائل و موضوعات امروزی است.
۲. بررسی نقش رسانه در انتشار گفتمان اصلاح‌طلبی اسلامی این واقعیت را می‌نمایاند که دین نه فقط در مقام تفسیر، بلکه در مقام استفاده نیز تحت‌تأثیر جهان مدرن و پیامدهای آن است.
۳. بررسی شیوه استدلال گفتمان اصلاح‌طلبی نشان می‌دهد با وجود برخی اختلاف‌ها بین این گفتمان و گفتمان‌های دیگر، در استناد به متون دینی و کمک گرفتن از «رویکرد نقلی» بین آن‌ها اتفاق نظر وجود دارد.

پی‌نوشت‌ها

۱. اینکه رقابت منفعت‌طلبانه به نفع جامعه و افراد است، محل تردید و نزاع است. کسانی مثل ترومن و رابرت دال رقابت حریصانه را عامل نفع و خیر مشترک می‌دانند و برعکس افرادی مثل هانا آرت و هابرماس چنین جامعه‌ای را باعث مسخ انسانیت می‌دانند (به نقل از امیری، ۱۳۸۶: ۱۶۴-۱۶۵).
۲. در این شماره فیلم *نون و گلدون*، ساخته مخملباف، از سوی سردبیر روزنامه مورد نقد و بررسی جامعه‌شناختی قرار گرفته بود. این فیلم تداعی‌کننده فضای دوران پیش و پس از انقلاب بود.
۳. این جدول نمونه برگرفته از کتاب *جامعه‌شناسی جنبش‌های اجتماعی* (با تأکید بر جنبش اصلاحی دوم خرداد) اثر حمیدرضا جلالی‌پور است.
۴. روزنامه *مشارکت* بعد از تعطیلی روزنامه *سلام* از هفته‌نامه به روزنامه تغییر یافت.
۵. این روزنامه پرشمارگان‌ترین روزنامه خصوصی ایران بود. اولین شماره روزنامه *شرق* در تاریخ ۲/۷/۱۳۸۲ با مدیر مسئولی رحمانیان منتشر شد (خبرگزاری ایسنا). تحریریه این روزنامه، تحریریه پیشین یکی از ضمیمه‌های روزنامه *همشهری* با نام «همشهری جهان» (همشهری دوم) بود.
۶. پیش از این ماهنامه بود و چند بار توقیف شده بود.
۷. هفته‌نامه *شهروند/امروز* فعالیت خود را از تیر ۱۳۸۶ آغاز کرد و پس از انتشار هفتادمین شماره در ۱۵ آبان ۱۳۸۷ توقیف شد.

منابع

- ازغنده‌پور، کریم. (۱۳۷۹). *دوران سلام*. تهران: نگاه امروز.
- افتخاری، اصغر. (۱۳۷۷). «قدرت سیاسی، حوزه عمومی و جمهوری اسلامی». *فصلنامه مطالعات راهبردی*. س ۲.
- امیری، جهاندار. (۱۳۸۶). *اصلاح‌طلبان تجدیدنظرطلب و پدرخوانده‌ها*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- بشیریه، حسین. (۱۳۷۴). *جامعه‌شناسی سیاسی، نقش نیروهای اجتماعی و زندگی سیاسی*. تهران: نشر نی.
- _____ «جامعه مدنی». *مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی*. ش ۱۱۷-۱۱۸.

گفتمان اصلاح‌طلبی اسلامی در ایران پس از ... علی محمد حاضری و همکاران

- پدرام، مسعود. «درآمدی بر مبانی نظری جنبش دوم خرداد». *مجله آفتاب*. ش ۱۴.
- تاجزاده، سیدمصطفی. (۱۳۸۳). *جوامع مسلمان، دموکراسی و بن لادن*. تهران: مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر.
- تاجیک، محمدرضا. (۱۳۷۹). *جامعه امن در گفتمان خاتمی*. تهران: نشر نی.
- جلایی‌پور، حمیدرضا. (۱۳۷۸). *پس از دوم خرداد (نگاهی جامعه‌شناختی به جنبش مدنی ایران ۷۸-۱۳۷۶)*. تهران: کویر.
- _____ (۱۳۸۱). *جامعه‌شناسی جنبش‌های اجتماعی (با تأکید بر جنبش اصلاحی دوم خرداد)*. تهران: طرح نو.
- جهرمی، محمدرسول و امیررضا پرحلم. (۱۳۸۰). تهران: نشر و پژوهش دادار.
- حجاریان، سعید. (۱۳۷۹). «جامعه مدنی و دولت دینی». *مجله فرهنگ توسعه*. س ۹. ش ۴۴-۴۶
- _____ (۱۳۸۲). «قانون اساسی، منع توزیع قدرت». *نشریه الکترونیکی نامه*. ش ۲۶.
- خاتمی، سیدمحمد. (۱۳۸۰). *احیاگر حقیقت دین (مجموعه مقالات)*. تهران: مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر.
- _____ (۱۳۷۹). *توسعه سیاسی، توسعه اقتصادی و امنیت*. تهران: طرح نو.
- _____ (۷۸/۱۲/۹). *پیام به همایش جوانان و گفت‌وگوی تمدن‌ها*.
- _____ (۱۳۷۵/۱۱/۲۱). *سخنرانی در مراسم اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان سراسر کشور (دفتر تحکیم وحدت)*.
- _____ (۱۳۷۶/۵/۱۳). *سخنرانی در مراسم تحلیف در مجلس شورای اسلامی*.
- _____ (۱۳۷۶/۶/۲۹). *سخنرانی در مراسم رژه نیروهای مسلح در هفته دفاع مقدس*.
- _____ (۱۳۷۶/۹/۱۸). *سخنرانی افتتاحیه کنفرانس اسلامی*.

_____ (۱۳۷۶/۹/۲۳). مصاحبه تلویزیونی با خبرنگاران داخلی و خارجی.

_____ (۱۳۷۶/۱۲/۵). سخنرانی در همایش رؤسای دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی کشور.

_____ (۱۳۷۷/۲/۹). سخنرانی در مراسم روز کارگر.

_____ (۱۳۷۷/۲/۲۸). سخنرانی در سمینار ائمه جمعه و جماعات کشور.

_____ (۱۳۷۷/۳/۲). سخنرانی در مراسم بزرگداشت سالروز دوم خرداد.

_____ (۱۳۷۷/۹/۱۶). سخنرانی به مناسبت روز دانشجو در دانشگاه صنعتی شریف.

_____ (۱۳۸۴). «تحمیل یا تحمل». روزنامه شرق. س ۳. ش ۶۰۱. شنبه ۲۳ مهر.

_____ (۱۳۸۶). عبض و بسط تئوریک شریعت (نظریه تکامل معرفت دینی). ج ۹. تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.

_____ (۱۳۶۷). رازدانی، روشنفکری و دینداری. تهران: پویه.

_____ (۱۳۸۴). قدرت، گفت‌وگو و زبان: سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران. تهران: نشر نی.

_____ (۱۳۷۷/۵/۴). روزنامه توس

_____ (۱۳۷۷/۶/۱۶).

_____ (۱۳۷۶/۱۱/۱۶). روزنامه جامعه

_____ (۱۳۷۶/۱۱/۲۹).

_____ (۱۳۷۶/۱۲/۱۲).

_____ (۱۳۷۶/۱۲/۲۳).

_____ (۱۳۷۷/۱/۱۶).

_____ (۱۳۷۷/۱/۲۰).

_____ (۱۳۷۷/۲/۱۲).

گفتمان اصلاح‌طلبی اسلامی در ایران پس از ... علی محمد حاضری و همکاران

- _____ (۱۳۷۷/۲/۱۹).
- _____ (۱۳۷۷/۳/۲).
- _____ (۱۳۷۷/۳/۱۹).
- روزنامه جمهوری اسلامی (۱۳۷۷/۹/۵).
- روزنامه سلام (۱۳۷۵/۱۲/۵).
- غلامرضا کاشی، عبدالله. (۱۳۷۹). *مطبوعات در عصر خاتمی (مرداد ۷۶ تا مرداد ۷۹)*. تهران: سلک.
- غنی‌نژاد، موسی. (۱۳۷۵). «جامعه مدنی». (میزگرد) *مجله کیان*. ش ۳۳. آبان و آذر.
- فاضل‌میبدی، محمدتقی. (۱۳۷۹). *تساهل و تسامح (با آثاری از سیدمحمد خاتمی، سید عطاءالله مهاجرانی، سعید حجاریان، اکبر گنجی، عبدالله نوری، محسن کدیور، آیت‌الله العظمی زنجانی، عبدالکریم سروش، محمد اسفندیاری، محمدرضا نیک‌فر و...)*. تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی آفرینه.
- کدیور، محسن. (۱۳۷۷). *جامعه مدنی و ایران امروز (مجموعه مقالات)*. تهران: نقش و نگار.
- _____ (۱۳۷۹). *دغدغه‌های حکومت دینی*. تهران: نشر نی.
- کلام رئیس‌جمهور (دین، قانون، آزادی) سخنرانی ریاست جمهوری محترم جمهوری اسلامی ایران دوم خرداد ۷۷. (۱۳۷۷). مؤسسه نشر جهاد با همکاری مؤسسه جهاد دانشگاهی تهران.
- متقی، محسن. *روشنفکران اصلاح‌طلب دینی و مسئله جامعه مدنی*.
- *مجله شهروند امروز*. (۱۳۸۶/۸/۱۳). «رازهای آیت‌الله (برگ‌های منتشر نشده‌ای از زندگی سیدمحمد موسوی خوئینی‌ها)».
- _____ (۱۳۸۷ / ۸ / ۱۸). ش ۷۱. س ۳.
- _____ (۱۳۸۷ / ۵ / ۵). «خاتمی با همه ما مرزبندی داشت».
- محمدی، محمد. (۱۳۷۸/۱۱/۹). مصاحبه با روزنامه آفتاب امروز.

- محمدی، مجید. (۱۳۷۶). *جامعه مدنی به منزله یک روش*. تهران: قطره.
- معرفت، محمدهادی. «جامعه دینی یا جامعه مدنی». برگرفته از مجله *اندیشه حوزه*. ش ۱۴. ج ۳.
- معصومی، سید محمود و منصور میراحمدی. *تازه‌های اندیشه، جامعه مدنی در مطبوعات*. ش ۶. مؤسسه فرهنگی طه.
- مک‌دانل، دایان. (۱۳۷۹). *مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمان*. ترجمه حسینعلی نوذری. تهران: فرهنگ گفتمان.
- موسوی بجنوردی، سید محمد. «حکومت اسلامی و بنای عقلا». *اندیشه حکومت*. به مناسبت صدمین سال میلاد امام خمینی (ره).
- _____ (۱۳۸۰). *مقالات فقهی، حقوقی، فلسفی و اجتماعی*. ج ۱. تهران: مؤسسه انتشارات عروج.
- _____ (۱۳۸۶). *مجموعه مقالات فقهی، حقوقی و اجتماعی*. ج ۷. تهران: انتشارات پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- _____ (۱۳۸۷). *مجموعه مقالات فقهی، حقوقی و اجتماعی*. ج ۸. تهران: انتشارات پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- موسوی خوئینی‌ها، سید محمد. *تبیین دیدگاه سید محمد موسوی خوئینی‌ها*. جزوه منتشر نشده.
- _____ *مصاحبه‌های علمی، سخنرانی‌های و میزگردها*. منتشر نشده.
- _____ «مفهوم حکومت دینی». *اندیشه حکومت*. به مناسبت صدمین سال میلاد امام خمینی (ره).
- مهرآیین، مصطفی. (۱۳۸۶). *شرایط تولید فرهنگ: ریشه‌های ظهور مدرنیسم اسلامی در هند و مصر و ایران*. رساله دکتری. دانشگاه تربیت مدرس.
- میلز، سارا. (۱۳۸۲). *گفتمان*. ترجمه فتاح محمدی. زنجان: هزاره سوم.

- گفتمان اصلاح‌طلبی اسلامی در ایران پس از ... علی محمد حاضری و همکاران
- واعظی، احمد. (۱۳۷۸). *جامعه دینی، جامعه مدنی*. ج ۲. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
 - ون‌دایک، تئون. (۱۳۸۲). *مطالعاتی در تحلیل گفتمان: از دستور متن تا گفتمان‌کاوی انتقادی*. گروه مترجمان. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
 - یوسفی اشکوری، حسن. *خرد در ضیافت دین*. تهران: قصیده.
 - وبسایت کریم ازغنده‌پور. (۱۳۸۵/۴/۱۶). «بیش از یک روزنامه» روزنامه شرق.
 - سایت جبهه مشارکت ایران اسلامی www.mosharekat.ir
 - یاری‌نیوز. (۱۳۸۷/۱۱/۲۶). «تخریب اصلاح‌طلبان تنها باعث زحمت تخریب‌کنندگان می‌شود» www.yaarinews.com
 - Wuthnow, Robert & Marsha Witten. (1988). "New directions in the Study of Culture". *Ann. Rev. Sociol.* 14.